

از ملت تشکیل می یابد. نهمت از حکومت. اگر در محاسن ملی و غیرت وطن بروی بروز نماید و جهت دفع این ننگ آماده شویم آنوقت میتوانیم از روی جد همه گونه نظامات را از دولت طلب نموده نگذاریم احدی سر موی از قانون شریعت تجاوز ورزد و در حفظ خزانه بتامال همه گونه اقدامات را میتوانیم بکار بریم باری. تا کی سخن از سخن ربایم

هم بر سر مطلب خود آیم

روی سخن با جناب مستطاب امین الضرب زاده بود. جناب جد مرحوم شا چنانچه همه آگاهند با عدم بصاعت انجمنان را بدرد گفت و ابوی شا چنانکه ذکرش سبقت نمود در سایه دولت و مات که ثروت همه را بامال و با خاک یکسان نموده دارای پست مایون بلکه بیشتر گردید. جد بزرگوار و پدر نامدار شما هر ده مردند. اگر الصیاد باقیه جمیع آیات منزل را منکر شویم در (کل نفس ذائقة الموت) نمیتوانیم اظهار تردد نمود. (بس زنده جاوید ماند هر که بیکونام زیست) اگر با ضاعت و یا بی ضاعت پدر و جد شما هر دو سر به تیره تراب کشیده در زیر خاک مقدس وطن خفتند. و هم گرامی شما که در خاک فرانسه ترک حیات گمت بملاحظات معلوم حسد او را ناچه زحمت و مخارج فوق العاده از آن خاک بیرون آوردید. معلوم است که خاک وطن مقدس اقامتگاه ابدی است بهتر آنکه اندوخته پدر را که خداوند بر شما حلال نموده در غیر موقع صرف فرمایید. و به اعمار وطن کوشید که هم منافع عاجلش بیشتر و هم سود آجلش فراوان ترست و هم مایه بقای نام نیک شما مگردد. اینقدر بدانید این گنج شایگان را که پدر مرحوم شما بطور مشروع یا غیر مشروع اندوخته و جهت شایع بمرات گذارده مال شما و درید تصرف شماست. ملت هم بدون هیچگونه اعتراض مال شما میداند و دولت علیه ایران هم هیچگاه در مال رعیت طمع و چشم داشت نداشته و ندارد. بیوزنه شهریار عدالت پشه و خسرو بلند اندیشه که

آخشیگان مبارکش با عدل و شفقت و رأفت و انصاف و مروت سرشته. هر قدر پیشتر در زیر دستان ثروت مشاهده فرمایند بر انبساط خاطر مقدسشان می افزاید لذا. دارائی خود را در داخل مملکت که وطن شماست بکار اندازید شرکت تشکیل دهید. راه آهن و ابر بنامید. بند اهواز را به بندید. کشتی در دریای فارس بنمادید. تجارتخانه هادر بنادر و اثر کنید. کانهای وطن را که منبع همگروه ثروت است بکار اندازید. جهت آب نمودن آهن کارخانه بنامید و بکشف معادن پردازید. ولی با معاونت مهندسین ماهر. و معلوم ست دولت هم همگونه همراهی فرموده و هر نوع امتیاز به این شرکت عطا خواهد فرمود بنادر ایران در آنی ترقیات فوق العاده خواهد نمود. در هر يك از آنها بازارها و کاروانسراهای برگزیده خوب دائر نماید تا اجاب هنگام ورود غبطه برند و طعنه نزنند که فرموده اند

( يك مرده بنام به که صد زنده به سنگ )

از شما در خور و سزا نیست که فدینه وطن را برده در وجه خاک و سنگ و چوب و مهندس و استاد و کارکنان دیگران بدهید. و در اعمار خاک غیر بکوشید نه آخر از این خاک مقدس نشو و نما نموده. و در این خاک زیسته. و آرام گاه شما در جوف همین خاک مقدس است؟ اجازه شما را برادران وطن بر دوش خواهند گشید! هزارها را برادران وطن حفر خواهند نمود! لحد شما را ایرانیان آماده خواهند کرد! تلقین شما را عظامی امت ناحیه خواهند داد! فلان مات جنازه شما را بر دوش نخواهد کشید. و رؤس روحانی آنان بشما تلقین خواهند داد. اندیشه بکار برید که کفن خود را از محصول و منسوج وطن مقدس تدارک بنمایید.

تا که دستت میرسد کاری بکن

پیش از آن که تو نیاید هیچ کار

و این خیال فاسد که برخی کوه نظران را دریافته و از استقلال و استقبال دولت علیه ایران

اظهار یأس میبایند نیست مگر اثر بی غیرتی - باری برگردیم به نتیجه مطلوبه اقدامات اساطین دین مبین - امروز بر علمای امت و رؤسای روحانی مذهب حنیف فرض عین و عین فرض است حبه حفظ دین و آیین و دوام و بقای سلطنت در یاد آوری شهریار عادل باذل ما بقدر دقیقه و سرموئی خود داری نفرمایند که سلطان را حبه حفظ ملک و ثنونات دولت و ملت و نگاهداری حقوق هیئت سپاه در کارست - و از برای آماده داشتن سپاه زر - و حبه تدارک زر اعمار ملک و اعمار ملک منوط بوجود رعایاست و رعیت با رعایت یعنی عدل و نضت و مواسات و مساوات گردد تواند آمد رعیت چون رعایت دید ملک آباد میگردد پس حبه اجرای عدل صلاح دوائر دولت لازم است و دوائر دولت اصلاح نتواند شد مگر با اجرای قانون ملکداری و در قانون ملک داری اروپاییان با صد سال است از روی علم اساسی نهاده اند و قانونی وضع نموده اند و دولت علیاً ایران بدون تأمل باید قانون ملکداری اروپا را پذیرفته و در دربار اجرا نماید - و باید دانست مملکت داری منحصرست به ادارات دولتی و قانون شرع مقدس راجع است بمعوم - یعنی قانون ادارات دولتی ابداً مانع و عایق قانون شرع نیست - قانون دربار یعنی هر اداره از یکدیگر جدا شده و دستور العمل صحیح از برای ادارات مشخص گردد که از حدود خود تجاوز نتوانند نمود - و اختلاس و خزانه بیت المال ممتنع الوقوع باشد - قانون مساوات رعایت شود و هر وجهی که از رعیت بهر اسم و رسم میگیرند بمصارف معینه برسد - دوائر جهادیه اصلاح شود - هیچ حکم و والی نتواند به ادنی رعیتی ستم نماید - از بیت المال مسالین دیناری بخرج های پهلوه مصرف نشود - و هیچکس نتواند بخشش و عطای بجا نماید - و مواجب های بجا و وظیفه های بیعی لغو باطل شود - اولیای امور نتوانند از برای مردمان بیکاره بیچار کار تدارک نمایند - و از برای کارها مردمان صحیح دانا تدارک شود و مأمورینیکه

ناچارند از خارج بیآورند از پارسیان ما علم وطن که در هند و انگلستان میباشد بیآورند تا از بعضی جهات آسوده خاطر باشند و کار در محور لایق جریان نموده و بمسام دولت و مملکت نقصان وارد نیاید بارها گفتیم از این افسون و پند سخت تر گردید زان هر لحظه بند مختصر حبه مناصب باید اشخاص مناسب پیدا کرد - برای امور دولت و ملت و کشور و لشکر اشخاص با اهلیت و علم و ناموس که شرف مسند بدانند و حق مأموریت را بشناسند در کارست - و لازم است در باره آنان که حسن خدمت بجا آورده و اظهار لیاقت و کفایت نموده اند از مکافات شایسته دریغ نشود تا دیگران بشوق هر چه بیشتر کمر خدمت بندند - و در کیفر خیانت پیشه کان تأخیر را ذنب لایق شایند - تا مأمورینیکه در سر خدمت میباشد از پایان کار اندیشه نموده و کیف مایشاء حرکت نمایند وهم لازم است علمای اعلام و نابیان حضرت حجه علیه التحیه والسلام این نکته مهم را از نظر دور ندارند که دولت علیه ایران تا مالیه خود را اصلاح نفرماید هیچ چیز دسترس نخواهد شد - و اصلاح مالیه هم جز با توجه آن بزرگواران که امرشان مطاع میباشد محال است زیرا آنقدر مفت حوران بیمار در ایران روی کار آمده اند که هیچ وزیر صاحب تدبیری نمیتواند دست آنان را از بهای خزانه کوتاه نماید - مگر علمای اعلام با استصواب وزیر درست کاری مانند حاجی امین الدوله و ناصر الملک به ایراد و مصارف دولت رسیدگی فرموده زواید را مخدوف و بجای آنها مخارج لازمه را برقرار فرمایند - و باید اینمندی را هم از نظر اعتنا و اعتبار دور ندارند هیچ دولت تا اصلاح قوه عسکریه خود را نکرده اعتنا و در خور مدافعه منتظم نماید بمقتصد عالی اصلاحات نائل نتواند شد زیرا موانع ترقی بسیار و حبه دفع او قوه کافی لازم است انتظام عسکر بدون اصلاح اداره دولت ممکن

نیست خاصه باحالت حالیه دیوان که امنای بیاطلاع خان  
دفتار جمیع ادارات را نه جنبان اوراق نموده اند که  
به تعریف درست آید - سالی پنجاه کرور از کیسه ملت  
بدر میروند بدون آنکه بجزایه دولت چیزی برسد  
مفشوش ترین ادارات دولت اداره عسکریه است که  
روح دولت و ملت و ملک میباشد - و قانون حالیه در  
الخذ عسکر آتقدیر خراب و بربادست که شرح فرمای اورا  
کتابی لازم است و از عسکر جز نامی آنهم در دفتار  
مفت حوران بیغیرت بی دین خائن دین و دولت حبه  
ینما نمودن خزانه مانمانده - باید الخذ عسکر از روی  
قرعه اختیار شود و مانند دولت عثمانی و سایر دول  
جمیع ملت داخل سلك عسکری شده و در هر ولایت  
اردویی آماده شود که در آصورت با مصرف کم  
میتوان دارای قوه نزرکی شد

چون درایتگونه مطالب مهمه باید از روی دستورالعمل  
بزرگان با دانش و اطلاع سخن گفته شود - لذا کتابچه  
موسوم (بدستگاه دیوان) که انرحامه یکی از بزرگاست  
عیناً نقل مینمایم و از هیئت اداره نامه مقدس استرحام  
مینمایم بدون زاید و نقصان در صحائف جبل المتین درج  
نمایند تا این بیانات آن مرد بزرگ که هر فصلش یکدنیا  
معنی در بر دارد جبهه دستورالعمل بیادگار بماند

### جبل المتین

چون کتابچه موسوم بدستگاه دیوان مفصل و در  
ضمن این عنوان نگارشش در یک نسخه میسر نبود -  
و نخواستیم عنوان کتابچه که خیلی معنی و مهم و  
شایسته است برای ملت و رجال دولت بیادگار ماند تجزیه  
شود انشاءالله در شماره آتیه کاملاً درج خواهد شد  
دانشمندان راست که قدر این عنوان را دانستند آن  
نسخه را برایگان از دست ندهند

### مدرسه سیاره

دانشمندان امریکا بخیمال افتاده اند که مدرسه تقاله  
برای اطفالشان ایجاد نمایند که بدور کره زمین گردش  
کند و در هر مملکتی علوم و دروس متعلقه بآن مملکت را

در هماغجا بخوانند و برای این مدرسه کشتی خیلی عکسی  
ساخته و پرداخته و لوازم معیشت و تحصیل شاگردان  
را در آن تهیه نموده اند و عده معینی شاگرد برای  
این مدرسه تقاله معین کرده و سال آینده تازم سیر و  
مسافرت هستند

و چنین قرار داده اند که در مدت چهار سال  
یک دوره زمین را گردش نمایند و خود را حاضر و  
مستعد از برای دخول در مدارس عالیه کنند و مهم  
شده اند که بهر شهر برسند در لنگرگاه کشتی را توقیف  
کنند و اطفال همه روزه لشهر رفته درس بخوانند و  
شبها را دوباره بکشتی معاودت نمایند و در هر جا فارغ  
التحصیل شدند بجای دیگر عزیمت رحیل کنند

### اختراع عجیب

حریده عربیه (الاقبال) میویسد در آلمان زورقها  
از یکنوع پارچه - مازة اختراع کرده اند که طول هر زورق  
شش مترویم و عرضش یک مترویم و عمقش شصت  
سانتیمتر است این زورق مرکب از سه پارچه است  
دو پارچه برای طرفین و یکی وسط و هر شخص سیاهی  
یکی از آنها را در جزو اسباب و احوال سفر خود  
دارد که در وقت حاجت بهم دیگر ترکیب کرده بصورت  
زورق درمیاید و این آلت و اسباب برای قشون منافع  
و فواید کلیه دارد از قبیل لستن جسر و گذشتن از  
رودخانهها و امتتن بدریا در وقتیکه کشتی بزرگ نباشد  
در هنگام جنگ و ضرورت - پارچاش هم قسمی است  
که ابدآ آب در آن نفوذ نمی کند و خیلی سبک وزن  
هم میباشد

### نقل از روزنامه شریفه نوروز

### بشارت علی

جناب . . . . . آقای ناظم الاطباء حکمرانی  
که از اطباء مخصوص حضور هایونی و از اجله علماء و  
دانشمندان است خدمتی باهالی ایران نموده است که  
تاکنون از کتر کسی دیده و شنیده شده است درواقع

نام نامی خود را تا اقراض عالم باقی و دو اداره علم ثبت و نوع خود را از ذلت رهانیده. این است معنی وطن پرست و معارف دوست بعد از این مأمور میتوانیم مثل دیگران (ان هذا الرجل و این العلم) گوئیم

بجلاً بعضی از تألیفات جناب معظم را در نمره پیش ذکر نموده ایم. لکن بجهت مشترکین عظام این مزده را که بهتر از این مزده متصور نیست درج میکنیم. تا اشخاص با غیرت که از اندوه و حزن وطن پژمرده بودند قدری شگفته شوند و امیدوار باشند که نواقص مأمور در تکمیل است

خلاصه این استاد معظم و این دانشمند منجم کتابی تألیف نموده محتوی بر تمام لغات حالیه مستعمله ایرایسان و برمن بیان فرموده هر دو بودن و فارسی بودن آن و غیرها را. همه دانند که جمع لغات تا چه حد مستلزم است علوم و بیان اصطلاحات را و چه قدر سخت است که در این زمان جمع لغات مملکتی شود مسکه زبانهای مختلفه در آن مخلوط و درهم است. دو جز و از آن کتاب با اداره نوروژ رسیده و اجزاء اداره را بجدی خرسند و خرم داشت که ما فوق آن متصور نیست. پس از شروع بطبع آن دیگر ما از درج لغات مخدو خواهیم بود. چه این کتاب مستطاب دارای همه چیز است همین قدر خدمت بزرگان معارف پرور و وطن دوست عرض میکنیم. این کتاب يك انجمن شرکعی لازم دارد که زود تر بطبع رسد. فوائد تجارقی هم البته دارد چه این کتاب اگر از طبع در آید هر جلدی از آن ده تومان اقلاً فروش دارد امید واریم يك همت از بزرگان کار مملکتی را اصلاح نماید هرکس طالب اشتراك باشد باید با اداره نوروژ یا با ادارات جراید دیگر اطلاع دهد

يك كله هم در انجمن بنوع خود عرض می کنیم خوب است ما هم از خواب بیدار شویم عوض زد و خورد و مضاربه قدری مضاربه شرعی را معمول داریم تا بقوه تجارقی علوم خود را ظاهر نماییم. حضرت صادق

علیه السلام میفرماید (خلصتان فرستان علی کل ذی ایمان طلب العلم و طلب الکسب - طلب العلم لصلاح دینه و طلب الکسب لصلاح دنیاه فمن یطلب العلم ولم یطلب الکسب جاء یوم القیمه مفلساً)

یعنی دو خصلت فرض و متحتم است بر هر صاحب ایمان یکی طلب علم و تحصیل آن دیگری طلب کسب و تجارت. تحصیل علم و کسب علوم بجهت صلاح دین اوست تجارت و کسب کردن بجهت صلاح دنیای اوست که مزرعه آخرت است. هرکس طلب کند علوم را و تحصیل نکند تجارت و کسب را وارد میشود در قیامت بحالت گدایان و مفلسان و بی چیزان

و نیز فرموده است نیست از ما آن کسیکه بجهت اشتغال بامور اخروی دست از معاملات دنیا بردارد. و نیز فرموده است خیر نیست در کسیکه دوست ندارد که مال از وجه حلال جمع نماید. آشکار و هویدا است که در طبع و انتشار اینگونه کتابها جمع بین تحصیل علم و کسب مال و تجارت است

### حبل المین

سالمات دانشمندان معارف پژوه اعم از داخله و خارجه در دائره علمیه ایران این نقص بزرگ را که نداشتن لغت جامع مانع در زبان فارسی باشد احساس نموده. برخی از آنان نیز مسکه در تکمیل آن قدم زده تا آخر نه پیورده آمد. الحاق جناب ناظم الاطباء عمده ترین احتیاج دائره علمیه وطن عزیز ما را ازین خدمت بزرگ تکمیل و نام نامی خویش را در تاریخ اکمال معارف ایران بیادگار خواهند گذارد

یقین است دو نکته اهم را درین کتاب مستطاب از نظر دقت دور نخواهند داشت تا این کتاب جامع و مانع و قرنیه دائره علمیه ایران را کافی تواند شد

(۱) رسم بعضی قشحات ضروریه که برای ایضاح برخی از لغات لازم می افتد

(۲) تشریح مواد لغویه که بدو آرکدام لغت اتخاذ شده. برای تشریح مواد لغویه فارسی آشنائی در زبان

( ۱۱ ذیحده - ۲۰ جنوری )

§ دولت ژاپون خیال قرضه ده مایون استرلنگ از داخله خود دارد

§ اخبار ( کرافک ) مذاکرات یوم گذشته خود را تحدید نموده مینویسد که در فصل دوم جواب روس ژاپون تسلیم نموده است که دولت روس حق اجاره بر بندر ( آربر ) دارد و حقوق او برای زمین راه آهن منچوریا با عملجات روی تسلیم داده و در سایر حقوق و امیاراتی که از روی معاهده چین و روس حاصل کرده سعی ندارد ژاپون خواستن دارد که روس منچوریا را کاملاً بچین واگذار نموده حقوق خود را نیز حاصل نماید. مطابق فصل پنجم جواب روس ژاپون دولت ژاپون آزادی کوریا را تسلیم مینماید و عهد میکند که جنوب کوریا را تصرف نه نماید

کلیتہ

یوم گذشته قدری باران شده است. بسابق اندکی هوا سرد شد. پربروز است دوائیهای معموله کلکتہ اختتام پذیرفت

در اوایل عشره محرم اداره علمیه کلکتہ امتحان طلاب را مقرر نموده چون مسلمانان عموماً این ایام را مشغول بجزا داری و آن چند روز اخیره عشره حکومتهم بدین مناسبت تعطیل عمومی قرار داده مسلمانان بنگال عموماً از اداره علمیه خواستگار تبدیل ایام امتحان شده اند یقین است که اعضای اداره علمیه قبول خواهد نمود. چه حصه از متحین و طلابیکه بایست امتحان بدهند مسلمانند که بهیچ وجه نمیتوانند ترک این مراسم مذهبی را نمایند. این امتحان برای طلاب است در صورتی طلاب مسلمان نتوانند در امتحان حاضر شوند بهیچ سبب قوی در پیش نیست که تبدیل ایام امتحان نشود

لطف این است که جمعی از بزرگان هنوز نیز در تبدیل ایام امتحان بامسلمانان همراه اند. ولی دو سه نفر از مسلمانان برای جلب شهرت بدون سبب و جهت بین تفرقه در عامه اسلامیان انداخته درین موضوع از در مخالفت برهن شده اند. ازین خیالات میشوم و حرکات خود پسندانه برخی خودمخرضان باید برآینده اسلامیان تألیف نمود

(سکرت) نیز لازم است. هرگاه درین ماده تأیید لازم شود از جناب فاضل یگانه و دانشمند فرزانه آقامیرزا مهدی جان کوب که در ایامی نژادان باداش محترم حیدر دکن و در خدمات حاکمیه آن مارت اسلامی میباشد و سهمی در درین معصود مدس رحمت فرایند و در این امر بارسی نزدیک عمده داده اند حاصل در این مورد و در این باب با منتهی است. در این باب نیز بنسبت عمده جناب ناظم لاطی در طریق عمل در راه وطن عزیز کشیده و می کشد لشکر بوده و بویهات ایشان را از خداوند خواستارید

بقیه تلکرافات

( ۱۰ ذیحده - ۲۰ جنوری )

§ در پترسبرگ افواماس به فرستادن جواب روس ژاپون یک هفته طولی خواهد شد تا عمداً در آن جواب نظر ثانی بشود. ده تین روس و ژاپون رسماً اخباراتی که از بازده روز باینطرف بین آنها در مسائل متنازع فیه شده است بدول سائزه پیش نموده مگر سعی نکات آن را ظاهر نداشته اند

§ سرداران قشون روسیه بحث زیادی من باب جنگ در محاسنی که دیروز در پترسبرگ منعقد شده بود نمودند § تفاوت فرقه ( هانتاب ) در ( داماراند ) روز افزون بالا میگردد لغتنت ( زولو ) که فرمانده شون ( اوکاهاوجا ) بود باقطار راه آهن حرکت کرده که با فرقه ( ملبسا ) مخاره نماید بلوایشان فی خبر بر او تاخته هفت نفر از همراهان او را مقتول و مجروح نموده اند

§ دولتین روس و استریا تدابیری که باب عالی من باب خودکی نیران بغاوت مقدونیا نموده پسند نکرده اند - باب عالی اظهار داشته که امری الالبانیا و مقدونیا عهد نموده اند که هرگاه پاپس را در غیرلباس ملاحظه کنند بقتل رسانند و این امر محل اعتراض و مورث اغتشاش خواهد گردید

جبل المتین کلکته

مدیکل کالج استریت نمبر ۴

کایه امور اداره

مدیر کل مؤید الاسلام است

منتظا اداره

آقا محمدجواد شیرازی است

سر دوشنبه طبع

بسمه نپه توزیع میشود

بتاریخ دوشنبه

۲۰ ذی قعدة ۱۳۲۱ هجری

روزنامه مقدس

قیمت اشتراك

رساله شش ماهه

هفتاد و پانزده

۱۲ روز

پانزده

دو ماه

سه ماه

چهار ماه

پانزده

۳۰ فرنگ

۱۰۰ فرنگ

۱۰۰۰ فرنگ

# جبل المتین

سنة ۱۳۱۱

مصادف

فله از دریافت نمودن قرض اداره

فروتن ۱۹ میلادی (خرید از بنای قیمت اخبار را با حدی تسلیم نمایند) ۱۰ منات

در این حریده از هرگونه علوم و وقیع سیاسی و منافع دولتی و فوائد مافی بحث میشود

مراسلات عام المذمه مقبول و در انشارش اداره آزادست

### فهرست مندرجات

الله و انا الیه راجعون \* تاگرافات \* مزده \*  
 اهل علم \* مکتوب از کربلا \* تفریط \* وزارت  
 تجارت و مسئله جای گیلان \* سواد دستخط هایون در  
 صدر تلگراف شاهزاده عضدالسلطان \* سو هر  
 تلگرافی عضدالسلطان \* سواد قرار داد شرکت تجار  
 و صورت آن مجلس \* مکتوب با اعضا \* از کربلای  
 معلی \* جبل المتین \* مکتوب یادکوبه مدارس مایه  
 مظفریه \* داستان روسیا \* مکتوب از بغداد \* عجیبا  
 ثانیه \* اعلان مخصوص و سخن سرلسته \* نقل تردد  
 و تکذیب ناسخ جعلی که علمای نجف اسرف متدماً  
 نوشته اند \* نقل استفتائی است که از علمای نجف اشرف  
 درباره ناسخ جعلی شده با احویه آنها جداگانه \*  
 مکتوب از طهران \* جبل المتین \* جبل المتین

### انا لله و انا الیه راجعون

یوم یکشنبه بیستم ذی قعدة سنة (۱۳۲۱) آقا  
 محمد جعفر آقا تاجر اصفهانی نجل مرحوم حاج میرزا  
 محمد کریم که از معارف جلیل اصفهان و پدر ده  
 هزار از تجار محترم ایران بودند و در خدمت والدمرحوم  
 خود بالغ بر چهل سال قبل بمشیت آمده در قطار  
 اولین تجار ایرانی هند بشار و در سلامت نفس و حسن  
 اخلاق و دیانت و علم و در ستکالی و دستگیری افتادگان  
 در تجار ایرانی هندوستان بدون اجتنائی نداشت و

در اعتبار و رجوع خارجه و داخله در قطه راول  
 درجه تجار ایرانی هند بود بین بچاه و شکت سل در  
 بمبئی این جسمان ذقی را وداع و به هشت جووانی  
 خرامید رحمة الله علیه رحمة واسعه

از مرحوم آقا محمد جعفر هفت پسر و یک دختر  
 بیادگار مانده ارشد اولاد آن مرحوم آقا میرزا  
 محمد رسالت که در سیات والد مرحوم خود معدی  
 کارهای تجارتی ایشان بود بسیر از اسه و شالسته و  
 باویت و کار آه است

رحلت مرحوم آقا محمد جعفر آقا تاجر اصفهانی از  
 ضایعات بزرگ ایرانیان هند است دوستان آن مرحوم  
 را خصوصاً خالی صب و ناگوار افتاد بط چیزیکه  
 تسلی بخش خاطر دهستان آن مرحوم توان گدیت همانا  
 ایافت و کفایت فرزندان آن مرحوم حاسه آقا میرزا  
 محمد رضا که بیسکو آثار و بهترین بادگا والد ماجد  
 حویشند خداوند ایشان را صبر جزیل و اجر جمیل  
 در این مصیبت بزرگ اعطایموده ترقیاتیکه در خور نیت  
 پاک آن مرحوم و کفایت و ایافت فرزندان حانف آن  
 است بدیشان عنایت فرماید - اعضای اداره جبل المتین  
 درین مصیبت با فرزندان واقارب و دوستان آن مرحوم  
 شریک و سهم و در تألم ایشان متأم اند

زنده جاوید ماند هر که نکو نام زیست  
 بگره عقبتش ذکر خیر از زنده کند نام را

تکرافات

( ۱۱ ذی قعد - ۳۰ جنوری )

§ در (پترسبرگ) افواه است که عبور و مرور مسافرین و مالالتجاره از طریق راه آهن (ترنس ساینین) از دوم فروری موقوف خواهد شد - چه این راه را برای حل قشون و لوازم آن انتخاب نموده اند

§ عنیده جمی بر این است که در صورت جنگ کاندان و فرمانده کل قشون روس (جنرال کارو او باتکن) مقرر خواهد شد

§ مخبر (روتز) از بندر آرتر بتاریخ ۲۹ خبر میدهد که دولت روس در راه آهن برای حمل سبوسات تهیه و تدارک نیکو ندیده لوازم جنگ بی دربی فرستاده می شود مسافرین و طارین سبیل که بذریعه راه آهن روس حرکت می نمایند از عدم نظام راه خلی شکوه دارند

( ۱۲ ذی قعد - ۳۱ جنوری )

§ از جانب اداره جنگی ژاپون معلوم شده که دو فروند کشتیهای جنگی که ( ۱۵۴۰۰ ) تن و خلی سبک سیر باشد آماده شود و این کشتیها باید از کشتیهای انگلیس بیشتر متحمل محمولات بشوند

§ مخبر (روتز) از (تینتسن) خبر میدهد که دولت روس برای خریداری ذغال سنگ در (کاپنیک) حکم داده و هرصه چند روز در بندر (آرتر) خواهد رسید

§ در (سمنسون) اقدامات عاجله دولت انگلیس در تدارکات و خریداری ذغال سنگ و اسبابهای دیگر جنگ اقصای شرق را حتمی نموده است

( ۱۳ ذیحده - اول فروری )

§ دولت ژاپون به افسران خارج فوج خود حکم داده که در وقت جنگ تماماً باید در خدمات جنگی مستند باشد تمام افسران نیز این خدمات افتخاری را به افتخار قبول نموده اند

§ از بنکهای ژاپون اهالی وجوه قدیه خویش را از خوف جنگ بیرون می آورند و معاملات تجارتی را قصاصات عظیم رسیده و چندکارخانه پارچه بافی بنه کار را موقوف داشته است

§ یکی از سرداران ژاپون که این ایام مقیم لندن بود

و از کایف جنگ کاملاً واقف است به مخبر (روتز) چنین اظهار داشته که دولت ژاپون مصمم است که به دولت روس حکومت مستقله چین را بر منچوریا خواه بخواند قبول ببولاند - دولت ژاپون سائر خواهشات روس را قبول میتواند نمود ولی رای او درباره منچوریا تبدیل پذیر نیست - ازین رو محال است که تا روس تسلیم مقاصد ژاپون را در منچوریا نه نماید ژاپون سکوت کرده صلح شود - کسانیک تصور کرده اند که ژاپون درین ماده چندان ایستادگی ندارد هنوز درست خیالات ژاپون را فهمیده اند - دولت انگلیس خیلی مایل بصلح است ولی از خیالات ژاپون بخوبی مطلع است این تامل روس در جواب ظاهر میدارد جنگ را - بین رجال صلح خواه و جنگ جوی روس اختلاف در جنگ و عدم جنگ است

( ۱۴ ذی قعد - دوم فروری )

§ از (پترسبرگ) خبر رسیده که دولت روس بخواه هزارقشون عنقریب بجانب (ولادی ووستک) میفرستند § رئیس تلگرافخانه های روس بجانب راه آهن (ترالن بیکال) روانه شده است

§ در (پترسبرگ) افواه است که برای ملاحظه ثانوی جواب ژاپون چند روز معطل مانده سپس فرستاده خواهد شد

§ در دارالشورای ملی انگلیس (ارل اسپنسر) اظهار داشته که دولت انگلیس نسبت بدولتین روس و ژاپون همراهی دوستانه نموده و خصوصاً ژاپون را همراه تحریک بجانب صلح کرده است

§ اعلیحضرت ادورد هفتم بادشاه انگلستان بازوجه محترمه شان و پرنس آف ویلز و لیمپد دولت انگلیس و دیوک آف کنات برادر اعلیحضرت بادشاه امروز افتتاح پارلمان انگلستان را رسماً نمودند - وزیر اعظم (مستر بلفور) بواسطه علالت حاضر نبود اعلیحضرت بادشاه چنین تقریر فرمودند

§ من با منتهای مذاقه محاورات روس و ژاپون را ملاحظه نموده محتمل است که بین دولتین مفارقاتی جنگ شود - دولت انگلیس در انجام امور و فیصله مسائل متنازه همه قسم حاضر بود - آنها ما با جمیع دول بدرجه کمال امت دوستی ما بافرانسه و تصفیه مسائل

متنازع به ثالثی نتیجه نیکو خواهد بخشید چه رفتن من  
فرانسه و آمدن وزیر جمهوری فرانس بانکستان  
استحکام این اتحاد را ثابت میکند و همین قسم انحاء  
ما با دولت ایتالی و ندرلند امید است انجام پذیرد  
در مسائل متنازع فیه بین ما و پرتگیس در افریقا  
پادشاه ایتالی را حکم قرار داده ام یقین است این امر  
با حسن وجه صورت خواهد پذیرفت و فیصله اعلیحضرت  
پادشاه ایتالی آخرین فیصله خواهد بود

در باره سرحد بندی (الاسکا) بواسطه اغلوطه  
کارها تأسف دارم ولی چون رقع خانه گردیده متشکر  
من باب (سومالی لند) یقین است فتح جدید  
(جنرل اجرین) قوت ملا را در آن نواح کم کرده  
تأییدات دولتین ایتالی و حبش در این ماده بدولت  
انگلیس خیلی مفید و ذی قیمت تصور شده امید است که  
قاع و قع ملاحظه امنیت و آسایش آن صوب گردد  
بایسالی در باره اصلاحات مقدونیا بدوا تامل  
نمود ولی سپس تمام اصلاحات را قبول کرد یقین است  
اصلاحات جدید را فوراً اجرا نماید تعیین جنرل ایتالیایی  
اسباب خوشنودی است امید میروم که جمیع  
اصلاحات مقدونیا بطریق نیکو بشود

دولتین استریا و نیوزیلند که رسیدگی در اضافه  
مصارف خود می نمایند نتیجه نیکو خواهد بخشید  
قصانیکه به تجارت پنبه رسیده مایه اسف است  
و باید در توسعه دائره این تجارت کوشید  
سفارت بت برای جنگ نبوده دولت چین معاهده  
سنه (۱۸۹۵) تن در داده بدان معاهده عمل شده و  
میشود امید است که مورت اشکال و زحمت نگیرد  
جهت مراسلات ضرورت راجع بدین مسئله در پارلمان  
پیش خواهد شد

(۱۵ ذی قعدة - ۳ فروری)

§ در دارالشورای دولتی به جواب نطق اعلیحضرت  
ادورد هفتم خطابه قرائت شد  
§ از لارڈ (لندون) وزیر خارجه انگلیس سؤال  
شد که درباره اصلاح روس و ژاپون هیچ گونه اقدام  
شده یا نه ؟ لارڈ (لندون) جواب داد که بر ما  
نیست قبل از آنکه خواهش بشود اقدام در این  
بامور نماید و این نکته پوشیده نیست که دولت ژاپون

دو سها بجمیع دول اعلان داده که حکمیت و ثالثی را  
قبول نخواهد نمود درین صورت ما را مجال آنست که  
میانگیری نمایم نموده

§ من باب خلیج فارس (لارڈ لندون) انکار از  
پیش نمودن کاغذات نمود

§ بموجب تلگراف طهران جناب علاءالدوله  
فرمانفرمای فارس استعفا نموده و این استعفا نتیجه  
مسافرت لارڈ گرزن بخلیج فارس بود

§ در دارالشورای ملی انگلستان (ارل یرسی) من  
باب فرود نیامدن لارڈ گرزن فرمانفرمای هند در  
بوشهر اظهار داشت که دولت انگلیس ماسد دولت  
ایران از واقعات غیر مترقبه بوشهر اظهار تأسف  
می نماید - و دولتین مشارالیهما در تأسف شرکت دارند  
چون آن حالات ختم شد ضرورت به پیش نمودن کاغذات  
راجعه بدین امر نیست

§ دیشب (لارڈ لندون) درباره کبسیون بت اظهار  
داشت که سفیر چین در دسامبر سال (۱۹۰۴) از  
(پکن) روانه شده تا کنون به (لاس) نرسیده است  
دولت انگلیس مطمئن از آن است که کبسیونیکه  
فرستاده سیاسی بوده نه جنگی دولت چین نیز به  
کبسیون انگلیس همین نظر را دارد

در (پتسبرگ) افواه است که جواب روس بژاپون  
تا ششم شهر روان خواهد رسید تمویق در جواب  
دولت ژاپون را زیاده مشوش ساخته شباهه (مارکوئیس  
ایتو) طلب شده مجلس مراتب داشته هفت ساعت کامل  
بحث در آن می شد جمیع رجال مدبر ژاپون درین مجلس  
شرکت داشته وزیر جنگ و وزیر بحری و امیرالبحر  
در این مجلس حاضر بوده بحث در این مجلس خیلی اهمیت  
داشته است

§ بموجب خبریکه از (پتس برگ) رسیده وزیر جنگ  
روس به امیرالبحر (الکس اف) اجازه داده است  
در صورتیکه ضرورت بیند بژاپون اعلان جنگ بدهد  
در عقب آن اعلان دولتی هم داده خواهد شد هرگاه  
ژاپون بجاوب روس رضا ندهد

(۱۶ ذی قعدة - ۴ فروری)

§ بموجب خبریکه از (کیپ) رسیده قشون (و  
فدماک) و (اکندجا) آلمانی یا قصان قلیل برگشته و دشمنان

بجانب کوهها، آن فرار نموده از قشون المان بیست و يك مر قتل رسیده و از باغبان چهل و چهار نفر تم بد اند

۱۰ مدام (حربی) احساس زلزله خفیفی شده است  
۱۱ دردا الشوراء ملی انگلستان (ارل پرسی) در جواب سؤالی طهارت داشته که مکرر درباره آزادی منچوریا و رجا - يك هر از دولت چین مصوبت كرك بیوجوانك بیون شده است

۱۲ باج و رده کشتیهای جاکی روس از سویز بجانب اقصای شرق روانه گردید

( ۱۷ دی قعدة - ۸ فروری )

۱۳ ارر باء ( سیوارك ) يكمد مارك تنزل نموده و مارا مان دوه وار در حرکت اند

۱۴ بحر ( رور ) ر ( نوکیو ) خبر میدهد که تمام کشتیهای جاکی روس که در سدر آرتر بودید حرکت نموده اند، تمام جانب معلوم نیست

۱۵ دیرو، مجدداً از مدرین روس انعقاد مجلسی شده امپراطور بر سرک داده گونا بسیاری از امور راحه محک را بیمله کرده اند

۱۶ بحر ( روتر ) از سدر ( آرتر ) خبر میدهد که کشتیهای جاکی روس که از بند آرتر حرکت کرده بودند دیروز معاودت کرده در خارج سدر انکر انداخته اند

۱۷ جواب ژاپون درود حواله به امیرالبحر (انگراف) شده ، هرگاه او تصور نماید به ( توکیو ) فرستاده خواهد شد و نوم دو هفته خواهد رسید دولت روس خواهش ژاپون را درباره منچوریا قبول نکرده است

۱۸ و فایع انگار، و رنامه طمس از ( پترس برگ ) میدویسد که امپراطور روس در معاملات اقصای شرق اربرد رأی که داشتند باز آمده رأی خودشان را ازین و بعد تبدیل خواهد داد

۱۹ قیمت قهوه در ( سیوارك ) خیلی تبدیل و تغییر نموده مارا مان دوايه وار در حرکت اند

( ۱۸ دی قعدة - ۶ فروری )

۲۰ ( دیلی کرافك ) میدویسد که آخرین جواب روس مثل جوابیست که در ۲۹ جنوری بزایون داده بود فقط قندی گلات اونرم و ملایم تراست درباره واگذاردن نمودن منچوریا بین انکار صریح دلوه ولی ممکن است

اگر ژاپون اصرار نماید در بعضی مواد دیگر تبدیل رای دهد ولی درباره منچوریا اصرار ژاپون بی ثمر است  
۱ رسماً اعلان یافته است که محابرات روس و ژاپون ختم شده - دولت روس به نایندگان خود دوم شهر جاری اعلان داده که سفیر ژاپون از جانب دولت خود رسماً ختم محابرات را با روس خبر داده لذا ازین و بعد دوستانه هیچگونه محابره نخواهد شد و دولت متوجه او ویرا طلب کرده است سفر موسی الیه با جمیع اعضاء خود از ( پترس برگ ) طلب شده ازین رو دولت روس بر سر خود را با تمام اعضاء از ( توکیو ) طلب نمود

۲ دولت روس حکم داده است که راه آهن ( رود بیگال ) را از برف صاف نماید که کار لشکر کشی التوا بیاید

۳ بحر ( روتر ) از ( نوکیو ) خبر میدهد که چنان مستعاد میشود دولت ژاپون بدوای روس رسماً خبر داده که در معاملات دیپلماتی با دولت مشارالیه ترك محابرات دوستانه نموده است

۴ تمام چهاراب ژاپون که بجانب شمالی چین و کوریا مشمول به آمد و شد بوده از حرکت باز داشته اند

مترجم شده به اهل علم

۵ در صهار مدیره دانشمندان حقیقی که طالب ترقیات علوم مدعی همانند که کتاب مستطاب اقلیدس را یکنانه دانشور آقا علی محمد شمیری - زبان فارسی ( که احلی الالاس اهل عالم است ) ترجمه فرموده ، در مطبع سپهر مطابع ناصری زیور طبع مرین و در این امام مماله اول آن مطر شایقین و طالبان تا قنکین خواهد رسید و مقالات دیگر نیز تدرجاً طبع و شایع خواهد شد -

۶ در تمجید این علم یعنی هندسه کافی است فقره زیره حضرت مولی الموالی ( الهندسة للبنيان ) و این کلیات مبارکه را دانشمندان چنین تفسیر نموده اند که استحکام بنیاد علم تمدن با که جمیع علوم بسته به دانستن علم هندسه میباشد -

۷ تفصیل آن مطالب درین محل نه گنجد هر که خواسته باشد رجوع به کتب مبسوطه نماید -

۸ زبان از وصف این کتاب قاصر خاصه از شاهده اسلوبیکه مؤلف چیه تفهیم بقاصد بکار برده است

۹

۱۰

۱۱

۱۲

لظرف بطرز تحریر میتوان گفت که مبتدی به آنکه توجه ذاتی درک مطالب نماید و زحمات تفهیم از معلم صرفاً

الحق در این باب مؤلف زنجی برده و گنجی را هدیه طالبان علم نموده است تصدیق بر مطالب آکوره موقوف است بر مطالعه کتاب

هر کس طالب باشد بوسیله مکاتیب طاب و منتشر فرماید (قیمت جلدی دو روپیه است)

بمبئی - بهائی کماله - مطبع ناصری  
ایضاً - بمبئی - بهندی بازار دکان مطبع ناصری

### مکتوب از کربلا

جناب مؤیدالاسلام - دین فروشان دنیاسپرست یعنی هواداران قوه کاذبه نیرنگی تازه ریخته ورقه جعل کرده بام نامسخ کفیر حساب امین السلطان باین و آن می نمودند - مقصودشان از این اشتباه کاری دو امر است. اول توجه عامه را از خیرال ارتداد میرزا علی اصغر خان منعطف دارند تا از خطر دور باشد - و دیگر نوشتجات حجج اسلام را در انظار عام و خاص بی وقرو اعتبار قرار دهند تا در آئینه دستخط و امهار آن بزرگواران در عوالم اسلامیت قابل اعتنا و اعتبار قرار نگیرد - آنچه مستعاد می شود یا دست بهر حضرت حجة الاسلام فاضل شرایبانی مدظله نیافته و یا از جعل مهر مبارک ایشان عاجز مانده اند - در آن ورقه نامسخ جعل دستخط و مهر مبارک ایشان نیست - ازین نکته غافل بوده اند که چهار نفر از حجج اسلام مهر و امضا نموده اند نامسخ آن نیز باید بهر و امضای آن چهار بزرگواران باشد در صورتیکه قصد فریب عوام را داشتند و باین نوشتهای جعلی فریب طامه را اراده می نمودند شایسته بود که اوراق جعلی نامسخ را بامضا و امهار این چهار بزرگواران درست نمایند چه واضح است بامضا و مهر حقیقی سه نفر آن بزرگواران نیز در این ارتداد نتواند نمود در صورت تسلیم و تصحیح نامسخ

ارتداد او باز هم بفتوای يك ضر از حجج اسلام که نامسخی از او جعل نکرده اند باقی خواهد بود - آری دزد نادان بگاهدان میزند

بالجمله - این خبر چون بسمع مبارک حجج اسلام رسید که برخی از مخربین دین و مدعیین نوع علما بام نام آن بزرگواران اوراق جعل کرده اند باریق نامسخ ارتداد میرزا علی اصغر خان که در تاریخ ۲۱ جمادی الثانیه داده شده ورقه دیگر در جعل بودن نامسخ و صحت حکم اولیه خود نگاشته امضا فرموده بامهار مبارک مزین نموده اند و نیز از فرد فرد آن بزرگواران درباره صدور نامسخ استفسار شده هر يك به جعل نامسخ حکم صریح فرمودند و عکس احکام مبارکه خودشانرا مجدداً منتشر ساختند - لذا برای درج در امة مقدس يك نسخه از هر يك از آن اوراق فرستادم حالا باید دانست که طرفداران قوه کاذبه یعنی شکم پروران تاسه درجه در نسبیع نوع علماي اعلام و تخریب مبانی دین و دوات ساهی اند این فتنه و فساد ها که در اسلام واقع می شود از عدم توجه علماي اعلام است بامهار مبارکه خود که آثار عظیمه بر آن مغرب است - حضرت مستطاب حجة الاسلام والمسلمین فاضل شرایبانی ادام الله ظله این نکته اهم را نیکو ملاحظه فرموده - ابداء موقع بخاتین نداده که بتوانند از طرف مبارک ایشان نوشته جعل نمایند - بلی این خرابیها از بی نظمی دستگاه برمیخیزد و عدم توجه بامهار مبارکه - امروز زمان مقتضی آن است که با توکل زانوی اشتر به بندند یعنی با حسن ظن که در عاده بعضی دین فروشان نظر بظاهر السلاحيه تن دارند امهار مبارکه را نیز از آنها حفظ درمابند که در وقت خواب و سر حمام نوبایند و نوع علماي اعلام را در الطار عام و خاص مقتضی سازند مردم حامل این گونه نوشتجات مجمول را که از علماي اعلام ملاحظه نمایند چون قوه ادراك ندارند که حق امر را درک میکنند اعتقادشان متزعزع شده به برخی خیالات جاهلان می افتند (م - ح)

تقریظ

درین پست رساله موسوم به (فارسی آموز) مؤلف دانشمند با فرهنگ خدایار ابن دستور شهریار باداره رسید - این رساله برای تعلیم نوآموزان فارسی موزون و مناسب است - اگرچه در این سنوات اخیر کتب تعلیمه ابتدائی فارسی چه در ایران و چه در خارج بسیار نوشته شده و همه بجای خود مستغنی از تعریف اند ولی سابقه که این مؤلف با دانش در تألیف این رساله بکار برده نازکی دارد (فارسی آموز) اگرچه رساله تعلیم ابتدائیت ولی مدهیات علمیه نافه را جمع کرده از قبیل مدهیات تاریخی، جغرافیائی و طبیعی را خیلی بطریق سهل در دروس روز مره داده است برای تعلیم اطفال مستطابست مفید هرکس طالب باشد در پیشی بادرسی ذیل میتواند طلب نمود

(بیشی گو که استریت عبر (۱) خدایار دستور شهریار)

وزارت تجارت و مسئله چای کیلان

در نمره قبل مختصری در خصوص چای که در لاهیجان کیلان بحسن مراقبت و اهتمام شاهزاده کاشف السلطنه بعمل آمده است بموجب مرخصیه تلگرافی نواب مستطاب والا شاهنشاهزاده عضدالسلطان والی مملکت کیلان و ملوالت بخاکبای هایون نگارش یافت اینک سواد دستخط هایون و شرح مرخصیه تلگرافی نواب مستطاب شاهنشاهزاده معظم و صورت قرار داد شرکت و اقدام تجار محترم دارالخلافه باهره که از طرف جناب نجر الملك وزیر تجارت تقدیم خاکبای هایون شده عیناً ثبت و نگارش میشود

سواد دستخط هایون در صدر

(تلگرافی شاهنشاهزاده عضدالسلطان)

عین الدوله وزیر داخله این تلگراف بمرض رسید عین این دستخط را بدهید بنجر الملك که برای قاطبه تجار قرائت نماید که زمینهای جنگلی متعلق بدوله است زمین از دولت و زحمت کشت و زرع جای با آنها البته در حمل زراعت جای در رشت و مازندران و استرآباد سی و مراقبت نمایند که این مسئله جای و تجارت

آن نصیب گرفته و در توقیات آن نهایت مواظبت نمایند

سواد مرخصیه تلگرافی نواب

(مستطاب والا شاهنشاهزاده مکرم عضدالسلطان)

بخاکبای مبارک اقدس اعلی ارواحنا فداء - قربان

خاکبای مرحمت پیرای مبارکت کردم غلام بیقدرار

حسبالامر الاقدس الاعلی بلاهیجان آمده و خود

بمحل زراعت جای رفته با نهایت دقت تمام بوتههای

جای را شمرده من خیت المجموع سیصد و ده هزار بوته

که نوزده هزار و نهصد و هفتاد و پنج بوته آن سه

ساله و دویست و نود هزار و سی بوته یکسال و نیمه

و یکساله است که با حضور خود غلام از بوته های

آن چیده بشهر آورده بو داده و دم کرده بقدری

معطر و خوب بود که با چاپهای مطوب خارجه طرف

نسبت نیست - و چون در اینکار کاشف السلطنه زحمت

فوق العاده کشیده لازمه جانفشانی را بعمل آورده

شایسته هر نوع مرحمت از طرف قرین الشرف است -

غلام آنچه لازم بود اورا تشویق و ترغیب نمود - و

حقیقه این جای خیلی اقتضار دارد و شایسته است برای

استعمال آن جشن گرفته شود - چنانکه غلام هم

بسلامتی ذات اقدس اعلی برای صرف این جای جشنی

گرفت و از همان جای تقدیم خاکبای مبارک

داشت - کاشف السلطنه هم قریب بجاه گبروانکه حاضر

کرده حاجزانه استدعا دارد اجازه مرحمت شود جای را

خودش بیاورد و البته بنوسط غلام اظهار مرحمت

نسبت باو خواهد شد (غلام بیقدرار ابوالفضل)

سواد قرار داد شرکت تجار و صورت آن مجلس

در زیر سایه آسمان پایه مقدس هایونی ارواحنا فداء

از قرار امر قدر قدر مبارک اشخاصی از تجار محترم که برای

انعقاد شرکت زراعت جای حاضر شده اند که حضوراً

از جای مرحمتی با بهترین جفتی که برای تمام تجار و خانه

زاد دعا گوی وجود مقدس ارواحنا فداء است صرف

نموده و بین اقبال وجود اقدس هایون ارواحنا فداء

با نهایت لشکر و دعا گویی حاضر شدند که تشکیل

شرکتی نموده و امر مبارک را در ذریعت این متاع  
هنوز مملکت یادگار عهد فرخنده آثار ملوکانه خلدانه  
ملکه با جان فشانی خاص اقدام نمایند - انشاء کتابچه  
قرار دادی که لازم است نیز نوشته شده و از عرض  
حضور مقدس هایونی خواهد گذشت

حاجی ملکشالتجار - حاجی امین دارالضرب -  
حاجی عبدالرزاق - حاجی سید مرتضی مرتضوی -  
امینالتجار - آقا محمد صادق ارباب - حاجی علی  
شال فروش - حاجی سید محمد تاجر - حاجی آقا  
موسی - حاجی محمدابراهیم مغازه - حاجی عبدالغفار -  
حاجی فرج صراف - آقا محمد آقا ارباب - حاجی  
میرزا علی اسفہانی - حاجی میرزا علی محمد جواهری -  
حاجی عباسقلی آقا - حاجی محمد تقی تاجر شاهرودی -  
آقا میرزا باقر تاجر خراسانی - حاجی میرزا علی  
اکبر - حاجی احمد قیصریه - حاجی باقر صراف -  
حاجی قاسم تاجر اسفہانی - انتخارالتجار - حاجی  
میرزا حسن تاجر کاشانی - حاجی میرزا حسن -

همگی ورقه قرار داد مجلس را نیز مهر کردند که  
معلوم باشد در عزم و اقدام خود سعی و ثابتند و  
از این قرار داد و شرکت تجاری و قاعد نخواهند ورزید  
مکتوب با امضا - از کربلای معلی

و به نستین - مؤیدالاسلام خداوند سایه مبارکه  
جناب عالی اسلام پرست را از سرکافه مسلمانان کم و کوتاه  
نگراند - چونکه همه وقت زیارت روزنامه مقدس  
قائز و دعاگوی مستدام بودن وجود مبارک و این  
روزنامه هستم که شهادت خیر خواهی غیر از  
روزنامه مقدس برای اسلام کمتر می بینم بمقاد این شعر  
(گر کسی منت کشد از مرد میباید کشید)

متنی و مستدعیم شرحی در این خصوص بکافه مسلمانان یا  
بهرکس میباید مرقوم فرمائید شاید فرمایش جنابعالی  
تأثیر کند ما کفتم نشیندند بدو نفر از متمولین و مقتدرین  
اسلام که اسم یکی را بالصراحت نمی برم و اسم دیگری که جناب  
مستطاب ... حاجی زین العابدین آقا قلی ای است محسن

توجه ایشان آوردم چه سابق در روزنامه مقدس دیدم  
از قول ایشان نوشته شده بود (سنه ۱۳۲۰) تاریخ پست  
و هفتم جمادی اولی سال نهم شماره چهل و سه عین  
عبارت ایشان که در روزنامه بود این است)

در اعمال نافه بحال عمومی ابناء وطن مقدس بی  
بضاعت اقدام و قیام دارم که نقش عمومی باشد مثل  
افتتاح مکاتب ملیه مریض خانه و غسالخانه و دارالمعززه و  
دارالایتام و فریاد رسیدن محبوسین و غیره و غیره خاطر  
و دریغ ندارم هر زمان از این قبیل کارها باشد در بلاد  
اسلامیان محض اطلاع بذریعه تلگراف یا مکتوب  
مستحضرم فرمائید اجابت میکنم

این نوشته را دیده خوش وقت شدم که الحمدلله در اسلام  
ما همچو غیر اسلام پرستی نیز بهم رسیده - عریضه بحضور  
مبارک ایشان عرض کردم مفید نشد و بشخص دیگری  
که محترم تر از او در تمام اسلام سراغ نداشتم و شخص  
اول رجال دولت ابد مدت قاهره بود نوشتم نمری نه  
بمشید گویا آن مرد فرزانه را نگذاشتند باین کار  
رسیدگی کند و پشت پا خورد

بلی حضرت حق در حدیث قدسی می فرماید  
( الاغنیاء و کلائ و الفقراء عیالی ) الی آخره الباط  
قابض هم هست ارحم نرحم نتیجه بزرگ دارد - ایر  
متمولین تکلیف خود را بدانند

مطلب اینست که عرض کرده ام و حالا  
جناب عالی و کافه مسلمانان عرض میکنم کدام  
مریض خانه بهتر و پر منفعت تر از مریض خانه میباشد که  
در کربلای معلی احداث شود اگر برای دنیا باشد  
نقش گلی و اسم و آوازه اش همه جای عالم میرسد اهل  
قفقاز اهل هندوستان اهل ترکستان اهل ایران همه نوع  
مخلوق به کربلای معلی مشرف میشوند و این آثار  
خیر را مشاهده میکنند - هرگاه برای دنیاست نقش  
محسوس است هرگاه برای آخرت باشد نور علی نور این  
زوار حسینی که کربلای معلی مشرف میشوند در راهها  
ایشانرا دزد میزند در شهرها جیب شان را میبرند

### حبل المتین

هر کس در عراق عرب رفته میداند که آنچه را جناب مستطاب آقای معین التولیه نوشته اند بدون کم و زیاد و بیرون از شایسته عراق است - حق این است که برای فرقه شیعه نقی از این بالاتر تصور نمیشود که در بزرگترین زیارت گاه های ایشان زائرین این مقبره مقدسه را این گونه خواری و صدمه و ذلت رسد و حال آنکه مقام و مرتبه زوار حسینی علیه السلام نه باندازه میباشد که احصی توان کرد - ممولین شیعه در این راه کرورها صرف می نمایند چه نمود که اقدامی فرموده تأسیس مفاخانه برای زوار حسینی بنمایند - شاید در جمیع خیرات و مبرات افضل بر این عمل را نتوان نشان داد عقیده نگارنده این است که انعقاد انجمن مخصوصی در کربلای معلی نموده جماعتی از علمای عظام و تجار نظام و سایر بزرگان شامل شده بدو آهریک باندازه مقدر مثل جناب مستطاب معین التولیه درین راه بذل توجه و مال نموده دفترخانه تاریخی باز نمایند و چند نفر از برگزیدگان معروف بدیانت را مرجع امر قرار داده رسماً برای این مقصود مقدس در جمع اطانه برآیند یقیناً اگر بدین اصول رفتار شود جمیع خیرین اسلام چه در هند و چه در ایران و قفقاز همراهی کرده در قابل زمان نائل بدین مقصود توان شد روز نامه مقدس نیز همواره مسلمانان را تشویق نموده هر کس اعانه نماید باسم و رسم درج خواهد نمود این اصول است که میتواند ما را بمقصود رسانید و اسباب اطمینان تمام اسلامیانهم میگردد هرگاه در تشکیل انجمن بطریقیکه ذکر شد جناب معین التولیه اقدام فرمایند یقین داریم که سایر اهالی کربلای معلی نیز با خیالات ایشان همراهی خواهند نمود اعضای اداره حبل المتین بقدر میسر با خیالات آن انجمن همراهی خواهد نمود و بمقتضای (فادخلوا لیوت من ابوابها) باین اصول هرگاه پیش آیند امیدواریم که در قابل زمان مقضی المرام گردند باز هم ما در موقع خود در این ماده سخن خواهیم راند و یقین است که جناب معین التولیه نیز ازین خیال مقدس و ازین همت بزرگانه باز نخواهند آمد.

یا اینکه شخصاً کم حرجی حرکت میکنند و یا در کربلا عمل زیاد توقفشان میشود بواسطه زمستان کسی هم متحمل محاشان نشده لابد میشوند تکدی میکنند حال تکدی هم معلوم است مسلمان های با انصاف پست تر و بدترین چیزها را بفقیر میدهند از قبیل نوشیده و شرب مانده و غیره و غیره بیچارها با غذیه نامناسبه شب هم با این اخلاف هوا بالا بوش یا در محن مطهر و یا در کوجها و معبرها خوابیده ناخوش میشوند کسی هم رحمان نمیکند می میرند چیزی ندارند عمده موقی حازه را در ب سخن گذارده ندای کف غریب بلند میشود شامی قری پل سیاه جمع می کنند جنازه را با ذات و خواری دفن میکنند و ماها که همه عالمیم مسلمانیم سادانیم جنازه را که دیدیم دماغ خود را گرفته فرار میکنیم و ادعای مسلمانیم داریم کافریم من اگر ار اسلام بشمار آیم

باری محض قدرت این کار را کاملاً ندارم - اما اگر اقدام شود و فهرست اطانه بارندند حقیر حاضرم باشد تومان نقد بدم یا زمین این سریش خانه را پیش از این استطاعت ندارم خوبست جناب عالی این تکلیف را با اهالی و محواین و شاهزادگان و راجکان هند فرمائید چرا که از قفقاز و ایران فایده نیست خصوصاً والا حضرت نواب رامپور که از قرار مسموع خیرات و مبرات ایشان در عتبات عالیات و سایر جاها کلی است

تکلیف نگارنده نوشتن بود بوشم آنجناب تکلیف شرمی و حرفی خود را بهتر میدادید من شخصاً در ادای پاسد تومان یا زمین سریش خانه تقدیم کردن موجودم خدا میداند شنیدم مصیب زوار در قرنتین از گرسنگی میمردند دوبار نان فرستادم برای زوار شخصی که حامل این نان بود گفت کاش مسیب نرفته بودم و نمیدیدم هنوز بیچاره از گرسنگی مرده جانش بیرون نرفته بود که با لباس خاکش میگردند وای از این مسلمان احقر الحاج هاشم الموسوی (معین التولیه)

مکتوب بادکوبه

از شماره ۲۰

کتابچه موسوم بدستگاه دیوان

ترخامه یکی از افاضل

(بسم الله خيرالاسماء)

ایران نظم ندارد بتوجه - ترا از کجا باین شدت  
تخلطم ایران قرار داده اند - پارسال دولت همه در  
وقت جنگ هفتصد هزار سرباز داشت يك نفر صاحب  
منصب نمسه که در خدمت این دولت بود باصرار تمام  
میخواست مرخص شود که بامداد دولت خود برود -  
ما بر حالت این صاحب منصب میخندیدیم و میگفتیم پادشاهی  
که صاحب هفتصد هزار سرباز باشد چه احتیاج بتو  
يك نفر دارد - صاحب منصب میگفت اینطور نیست - آن  
هفتصد هزار نفر هم مثل من هستند - و اگر هر يك از ما  
بگویند هر طور بمن احتیاج ندارد دولت نمسه بی لشکر مینماید  
باید ازین صاحب منصب نمسه عبرت بگیریم - هیچ  
شکی نیست که شاهنشاه ایران از وجود و نصاب امثال  
ما مستغنی است - ولی ما هرگز نباید خود را مستغنی از خدمت  
دولت خود بدانیم - بر ما لازم است که فرداً فرداً مقوی  
حیالات شاهنشاهی باشیم - از وزراء گرفته تا سرباز - ما  
همه میگوییم بمن چه - من کیستم که ناظم دولت باشم - تا این  
بمن چه در ایران متد اولست پادشاه همیشه در خیالات  
توقی تنها خواهد ماند - و بهر اسبابی که دست بزند مثل  
امروز آواز بمن چه خواهد شنید - نظم کلی حاصل  
مواققت افراد است - لهذا از فضولیهای امثال من افراد  
نباید تعجب نمود - بلکه از ظهور این نوع آوازه ها باید  
بدولت ایران تهنیت گفت

سؤال يك رعیت از دولت خود - ابدولت خداوند  
حالم بمن استعداد فوق العاده داده است - هر هنری و هر  
علمی که بخواهند میتوانم بوجه اكمال تحصیل نمایم - دلم  
میخواهد وزیر بشوم - اکنون بفرمائید تکلیف من  
چیست ؟ باید چه نوع علم و استحقاق تحصیل کنم که  
بلیغ منصب بشوم ؟

جواب - این سؤال در هر دولت جواب دارد مگر در  
ایران - جمیع رعایای فرانسه میدانند که شرایط تحصیل  
مناصب چیست - و بواسطه همین دانستن استعداد  
طبیعی ایشان علی الدوام میجو شد و در عوالم علوم و  
صنایع ظاهر اینهمه معجزات میشوند

در ایران شرایط تحصیل مناصب به هیچ وجه معین  
نشده است - هیچکس نیست که بتواند بفرماید دولت ایران  
طالب چه نوع هنر است - هزار نفر آدم میشناسم که هر  
علم و هنری که بخواهند بهتر از فرنگی میتوانند تحصیل  
بکنند - اما بواسطه عدم تعیین شرایط استحقاق هیچ  
نمیدانند که استعداد خود را در چه نوع عوالم بروز  
دهند - اینست - که اهل ایران با وجود نهایت استعداد  
فطری آنان از جمیع اهل روی زمین بیکارتر و بی هنر  
تر هستند -

اصلاح این عیب بزرگ بساختن دارالفنون میشود -  
شرایط تحصیل مناصب را مشخص کنید - یعنی قانون  
بگذارید که هیچکس بفلان منصب نخواهد رسید  
مگر بشرط فلان علم و تحصیل فلان استحقاق - این قانون  
را تا يك سال مجری بدارید و آنوقت به بیند که در  
ایران چه نوع استعداد بوده است -

یکی از پسران من هوش و استعداد غریبی دارد -  
اما نه او طالب تحصیل است و نه من در بند نشوین -  
بعادت ایسکه در ایران بدون هیچ علم میتوان حق و زیر  
شد - قیمت سربازی با صد تومانست - در بازده سالگی  
میتوان سردار شد - من اگر هفت زبان هم میدانم  
باز میبایستی نوکر امحق بیسواد باشم - و اگر پسر من  
علوم اداره را بهتر از وزرای انگلیس تحصیل بکند باز  
حکومت ولایات حق اطفال پولدار خواهد بود - من  
ازین رسوم ایران تعجب ندارم - تعجب من در  
اینست که با چنین اوضاع میخواهیم در پاریس سعادت  
داشته باشیم - با انگلیس بجنگیم با روس بر روی بکنیم -  
و داخل معادله دول فرنگ بشویم -

یکی از مورخین یونانی دنیا احوالات سلاطین ساسانیان  
را از کتب یونان و ایران جمع کرده - کتابی تصنیف

نموده است مسی به (ایران قدیم) کتاب مزبور باینکه تا بهامست بواسطه نشر بعضی از فصول آن مشهور کل فرنگستان شده است. من یکی از حکایات که دو ماه قبل ازین در روزنامه (فریک فورتن) چاپ کرده بودند در اینجا ترجمه مینمایم

شاپور ابن اردشیر بابکان پس از تسخیر ملک ارمن یکی از اعیان دولت خود را بارتبه سفارت عظمی مأمور دربار قیصری نمود. چون مقصود شاپور اظهار قدرت ایران و رفیع اعتبار سلطنت خود بود در لوازم جلال و مزید شکوه سفارت مزبور بقدر قوه اهتمام نمود. بسفیر خود مخصوصاً حکم فرمودند که در تقدیم مأموریت خود با کمال تشخص و عظم حرکت نماید. چون از مراتب شوکت سفارت و از مدارج کفایت سفیر پیش از وقت اخبار زیاد انتشار داده بودند کل اولیای دولت بجزم تمامی این سفارت فوق العاده در روز پذیرائی بر سر بر قیصر گرد آمدند در وقتیکه ما کمال حضور منتظر قدم بودند. سفیر اعظم با کل اتباع خود با شکوه تمام از دور ظاهر آمد. و لکن خواه از ضعف طالع شاپور و خواه از بلندی بخت قیصر سبب ایران بعضی مشاهده ایوان قیصری چنان مضطرب و پریشان شد که بزبانش بند و لوزه با دماش افتاد. و نزدیک شد که بی اختیار در وسط ایوان مدهوش بیفتد. قیصر هم که بر حسب ظاهر و هم بر حسب باطن مرد بسیار ضعیف و سلیم النفس بود از راه ترحم هرچه تلافی نمود که شاید زبان سفیر باز شود پریشانی حالت او زیاد تر میشد. و آخر الامر بعد از ادای جمل لفظ مقطوع سفیر ایران با اتباع خود منفلاً بیرون شده و از طرف دیگر اصحاب قیصری بنای ذوق و تسخیر را گذاشتند

مورخ یکی دنیا میگوید. در شرفیای دوم پریشانی و ضعف نفس سفیر بجائی رسید و تمام سفارت بحدی خفیف و بی اعتبار شد که دیگر روی ملاقات هیچیک از اولیای آبدولت را نداشت. امنای دربار قیصری از این نوع ضعف

سفیر شاپور چنان جری شدند که دیگر هیچیک از مطالب دولت ایران احتیاتی نکردند

مورخ مشارالیه از احوالات این سفیر بزرگوار چنان تفصیلاً عجیب بیان کرده است که اگر اهل ایران بخواهند حالا سفارت مزبوره را تا مدتها امتحان خواهند کرد. و لکن میگوید چنان اتفاق افتاده بود که جمیع قبایح اعمال این سفارت را از شاپور پوشیده داشتند. سهل است کل خطبها و خطباتهای سفیر در نظر اولیای دولت ایران مبدل بخدمات بزرگ شد. از اشتباه کاری آن ایام نباید تعجب کرد زیرا که اقتضای حال ایران همیشه چنین بوده است

مصنف یونکی دنیائی صدق اقوال خود را ضمانت کرده است. اگر اولیای دولت ایران مکتساب او را بدست بیاورند اطلاعات بسیار مفید خواهند یافت. من از اختلاف سابقه ما متعجب مانده ام. از يك طرف علوم فرنگستانرا بحدی منکر میشویم که عقل طبیعی خود را بر جمیع علوم فرنگستان ترجیح میدهم. و از طرف دیگر هر کس دو روز در کوچه های فرنگستان میگردد شخص او را بجمع کل اطلاعات و قول او را سند جمیع تحقیقات قرار میدهم. اگر توقف پاریس سند عقل باشد پس باید جمیع فعله های پاریس اهل الناس باشند

بل. علوم فرنگستان بهترین سند عقل انسانیت. ولی نباید اینقدر احق و ساده لوح باشیم که تحصیل اینعلوم را در تمامی تمدن و کوچه های بدایم. من در دنیا هیچ عقلی سراغ ندارم که بدون ده سال تحصیل و تجربه بتواند معنی هیچیک از کارهای فرنگ را درک نماید

یکی از سفرای خارجه میگفت. کسی که در فرنگستان سیاحت کند هیچ چیز را بیشتر از فرش کوچها نمی بیند با وصف این خطای ایران سه سالست در فرنگستان سیاحت کردند. و باز فهمیدند که کوچهای آنها را چه طور فرش کرده اند. کیسه کار باین معنی را

سه سال تفهیمده باشد چه طور ممکن است که معانی سایر کارها و دقائق پولتیک فرنک را بمحض سیاحت در آن گره باشد. میان اشخاصی که در فرنگستان بوماند کسیکه از مضمخ خود فایده علمی بر داشته (ناصر الملک) است الان در ایران ازو عالم تر کسی نداریم. ولکن او هم از بخت ایران محض اینکه در مقام خود واقع بشود چنان فرق این کارخانجات بیعی شده است که علم و اطلاعات او از برای ایران مضر هیچ نمری نیست رشید افندی چه طور آدمست؟

اولین عامل دولت عثمانی بلا حرف اوست. تنها علم و اطلاعی که يك استعداد قابل بتواند در ملك خود تحصیل بکند او باجهاد شخصی تحصیل کرده است. نقصی که دارد این است. که تصورش از مدارج علوم فرنگستان قاصر مانده. ولکن باوجود قوه تحصیل و کفایت ذاتی او بجدیست که در خدمات هیچ اوقاتی قاصر نخواهند ماند. خیالات اقبالش هر قدر بلند شود او هم با کمال قدرت تا همه جا بلند خواهد شد. خلاصه رشید افندی بلا حرف مرم رشیدی است. ولکن باقتضای بخت دولت عثمانی همین رشادت نمایان موجب خطر این عامل بیعیدیل خواهد بود

عقلای ما وقتیکه حالت وزرای ما را تحقیق میکنند می بینیم هیچ ایرادی نمیگیرند مگر از صفات ذاتی ایشان. میگویند فلان رئیس برخسب است. فلان وزیر حیف که زیاد طمع دارد. فلان امیر اگر بخش نمی داد. میبند. از اینقسم ایرادات معلوم میشود که از حقیقت مطلب چه قدر دور هستیم. ما بصفات شخصی وزراء چه کار داریم. ما توقعیکه از وزراء باید داشته باشیم علم است و بس. امور دول کلاً بسته به علوم وزراء است نه بصفات شخصی ایشان. فرض میکنیم که فلان وزیر کمال معقولیت و سخاوت را داشته باشد. بعد از آنکه از علوم صرفه جوتی (اکنونومی) و از حقوق اداره بکلی طاری باشد در خدمات دولت چه میتواند نمود. اکل عقول انسانی را با جمیع صفات حسنه جمع بکنند باز بدون علم

قابل اداره يك ده فرانس نخواهد بود. یکی از بدبختی های ایران هم اینست که رؤسای ما فرق عقل و علم را تفهیمده اند باعتقاد ایشان عقل کافی بالاتر از علوم حکمی است. حال آنکه بطالان این اعتقاد را هر طوطی میتواند ثابت بکند. اهل انگلیس هر قدر که امروز عقل طبیعی دارند دوهزار سال قبل ازین نیز بهمان قرار داشته. ولکن آنوقت حیوانات جنگلی بودند. و حالا مردمان عالمگیر شده اند. پس معلوم است که تفوق حایه ایشان ربطی بعقل طبیعی ایشان ندارد آنچه هست از علوم کسبی است

خلاصه عقلای ایران باید کم کم اعتراف نمایند که عقل تنها در جنب علم هیچ است. تحصیل علوم نیز بمحض سیاحت فرنگستان ممکن نیست

یکی از تأسف های عمر من این خواهد بود که دولت ایران نتوانست از مثل مشیرالدوله حاجی میرزا محمد حسین خان وجودی هیچ فایده بردارد. وقتیکه در قدرت حواتی میتوانست بهترین اسباب ترقی ایران بشود گفتند حالا جوانست و هنوز صاحب استخوان نشده است. در این سالهای آخر هم گفتند که پیراست و بکار نمی آید. آن روزها هم که خواستند او را مصدر کاری بسازند چنان مأموریتی ناو دادند که اصلاً محالست او مناسبت نداشت. جای او در عمارت شاهنشاهی بود

خلاصه ما اینکه اهل ایران از مشیرالدوله چیزی تفهیمده اند من اینقدر را تفهیمده ام که روزگار همه وقت مشیرالدوله تربیت نمیکند. و از برای دولت ایران نیز تلافی همه وقت ممکن نه خواهد بود.

از مؤمن الدوله چه میگویند. من انصب نجبای حقیقی میدانم. از یابی فطرت و از سلامت عقل او همین قدر بس. که با اینهمه تقرب سلطانی هنوز دل هیچ دشمنی را نیازورده است. ترقی این نوع وجودها را در ایران باید موجب تهیت بدانیم. علی المجاله دنیا اسباب تربیت او را از اطراف فراهم دارد تا بخت دولت چه کند ولکن من در صدق آرزوی خود حفظ و ترقی این

چون یاکو بست را از بخت شاهنشاه جوان میطلبم -  
 ارهه کس که تمیم چندگله از پهلوان چینی بگوئیم -  
 زور بن پهلوان منحصراست با هنگ تلفظ و به اسلسه  
 الفاظ - کلمات بیمنی را چنان مسلسله و با هنگ ادا  
 میکند که اهل مجلس اول خیال میکنند که مطلب  
 بزرگی اظهار شد - اما بعد وقتی که کلام او را میشکافند  
 می بینند بجز خیال واهی و الفاظ نامربوط چیز دیگر  
 نبوده - این پهلوان فرومایه تنها عقل را در ایهام کلام  
 و منتهای هنر را در فریب مردم میداند - هر قدر کسی  
 با او خدمت نماید ممکن نیست آخر الامر گرفتار عداوت  
 او نشود - در آداب معاشرت اصولی که برای خود  
 وضع کرده اینست - در حضور تملق - در غیاب تمسخر -  
 در ظاهر افسانیت - در باطن منتهای اذیت - از ضرایب  
 خلقت او یکی آنست که زبانش هر چه میگوید سرش ابدآ  
 خبر ندارد - اگر باور میکنید پس از آنکه يك مطلبی  
 را ادا نموده تکرار آنرا خواهش نمایند خواهید دید  
 يك چیزی خواهد گفت و ابدآ بمطلب اولی ربط نخواهد  
 داشت - با وصف این در مجلس اغلب ملاحا را حکما  
 فریب میدهد - اما حسن کار او اینست که در مجلس دوم  
 و سوم هر احمق میبهد که هیچ چیز ندارد مگر آرایش  
 طاهری - اگر صفات حمیده این پهلوان و محاسن خدمات  
 او را کسی شرح بدهد آنوقت معلوم میشود که در دنیا  
 بزور الفاظ بی معنی چه کار میتوان کرد - من از کارهای  
 گذشته او چیزی عرض میکنم زیرا که نتایج اعمال او  
 هر وقت که باشد در آینده هوات ظهور و جلوه کامل  
 خواهد داشت

شما آخر چرا باین شدت منکر پهلوان چینی هستید؟  
 هر کس مرا فریب دهد مگر او میشود علی الخصوص  
 کسیکه در ضمن فریب من دولت و دولت خود را نیز  
 فریب داده باشد -

اگر از اسناد تملق میترسیدم میبشکستم در دنیا  
 محسن نیت و بهای همت (ناصرالدین) شاه پادشاهی نبوده  
 است - چه خیالات بلند و چه طرحهای بزرگ بر او  
 و بی اثر میکند که بواسطه عدم لازمه اسباب بکلی مجهول

مانده - بالا تر از دیوان مظالم چه بنای میتوان تصور کرد  
 اگر اولیای دولت ما صاحب علم بودند همین بنا را  
 میتوانستند بهترین اسباب رفاه ایران بسازند - اما هزار  
 حیف که این قرار بزرگ نیز بواسطه معایب دستگاه  
 دیوان بعد از چندی یا بکلی منسوخ یا مایه مغلط  
 و اغتشاش تازه خواهد شد - دیوان مظالم یکی از  
 سهوهای قدیم ایران را خوب مجسم میکند - وزراء  
 و سلاطین ما هر وقت بخیال نظم دولت افتاده اند  
 همان عهد خود را دیده بنای نظم را بر وجود قرار  
 داده اند - مادامیکه وجود ایشان باقی مانده يك نوع  
 نظمی هم در دولت بوده است همینکه شخص ایشان از  
 میان رفته است از نظام ایشان هیچ اثری باقی نمانده است  
 این نوع قرارهای موقتی را نظام نمیتوان گفت - نظام  
 حقیقی آنست - که پس از انقضاء عهد مؤسس باز باقی  
 بماند و روز بروز بر استحکام خود بیندازد - اولیای  
 دول آسیا فرق این دو قسم نظم را تفهیمیده اند - اینست  
 که اوقات خود را صرف تنظیمات موقتی کرده هیچ آثاری  
 بعد از خود باقی نگذاشته اند - بنا بملاحظات فوق دیوان  
 مظالم نیز جزء تنظیمات عارضی محسوب میشود - چنانکه  
 اگر خدا نخواسته روز یکشنبه از برای مزاج بندگان  
 اقدس شاهنشاهی جزئی تکسری حاصل نبود این بنای  
 بزرگ بکلی مختل مینماید - سلاطین که مؤسس نظم دول  
 بوده اند هرگز خود را مشغول این نوع تنظیمات موقتی  
 نساخته اند - همت ایشان همیشه مصروف نظامات مدامی  
 بوده است - حال اگر اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی همت  
 خود را فی الجمله وسعت بدهند این قرار عارضی را میتوانند  
 مبدل بچنان بنای محکم فرمایند که آثار این نظم با نام  
 نامی ایشان تا ابد باقی بماند

دولت انگلیس چهار صد سکرور رعیت دارد با  
 وصف این در طهران بیست مقابل بیشتر عارض هست  
 تا در لندن - از فرق ایندو حالت فرق اداره ایران  
 و انگلیس را خوب میتوان استنباط کرد  
 چه معنی دارد که سلطنت ایران در خانواده خانان

منفور باشد و اولاد ایشان باین شدت خوار و ذلیل باشند. اینحال ایشان نه موافق انصافست نه مناسب شان سلطنت. یول نداریم بایشان بدهیم بسیار خوب. دیگر چرا ایشانرا مجبور میکنیم که ناموس سلطنت را هر روز در خانه يك تا کسی ضایع نمایند. چه عیب دارد که مثل (بهاءالدوله) شاهزاده را رئیس سلسله خاقان قرار بدهند که هم دولت بر ایشان يك مواظبت مستقیم داشته باشد و ایشان در دربار سلطنت راه مستقیمی پیدا نمایند. با همین مخارجی که حال بدون هیچ فایده صرف شاهزادگان میشود میتوان از جوانان و پیران این سلسله چندین قسم فایده دولتی و سلطنتی حاصل نمود.

ملایان و علماء و مدارس ایران باید کلاً جزء وزارت علوم باشند از خطبتهای حکمرانی ایران یکی هم اینست که منصب را یکی میدهند و شغل را دیگری. اگر صاحب منصب قابلیت شغل را بخورد او بدهد. و اگر قابل نیست پس چرا منصب دیگری را باو میدهند. دولتی که در آئین ترقی عقب مانده و محتاج سرمشق خارجه هست باید وزارت خارجه را به قدر امکان وسعت و رونق بدهد. انوار فرنگ مثل سیل بمالک اطراف هجوم دارند. هر قدر که عمر این سیل را زیادتر باز نمانیم از فیوض ترقی اروپا بیشتر بهره خواهیم برد در ایران عمر سیل فرنگ وزارت خارجه است هرگاه ما مستغنی از سرمشق فرنگ بودیم میگفتیم وزارت خارجه را بقدر مکان محدود نمائید. اما حال که بقای ایران موقوف باخذ ترقیات فرنگستان میباشد باید بقدر قوه وزارت خارجه را وسعت بدهیم گذشته ازین ملاحظیات وزارت خارجه مظهر جلال و مصدر قدرت دولت محسوب میشود همین دلیل ایست که وزارتخانه خارجه در عموم دول رسایر وزارتخانهها امتیاز کلی دارد. حسن و معایب سایر وزارتخانه در نظر خارجه چندان محسوس و مؤثر نمیشود و لکن هر نوع حالت وزارت خارجه فوراً در خارج تأثیر می بخشد و تأثیرات خارجه کلاً بر میگردد بر پایه ملت

خلاصه ظاهر وزارت خارجه ما خواه نسبت ایشان سلطنت و خواه نسبت بمصاحبت دولت زیاده از حد ناقص و محقر است. هرکس معنی غیرت ملی و نتایج تأثیرات خارجه را ملتفت شده باشد باید بقدر قوه در مزید رونق این وزارت بکوشد. چنانکه وزارت خارجه اسباب استقرار تنظیمات داخله باشد

نظم ایران باید در وزارت عدلیه بروز بکند هرگاه کسی مرا ناظم ایران قرار بدهد من وزارت عدلیه را برای خود منتخب بیکردم

شرط اول وزارت عدلیه بعد از علم جرئت و استقلال رأیست. این دو صفت در وزارت عدلیه بحدی عمده و ناگزیر است که مال فرنگ بجهت حفظ و تقویت آنها مناصب عدلیه را تغییر نا پذیر قرار داده اند بملاحظه این دو صفت وزیر عدلیه ما از جمیع وزراء مناسبتر اتفاق افتاده است اما هزار حیف که ترتیب این وزارت که بیدایستی منشأ و محرک نظم ایران باشد بکلی خارج از اقتضاء این مأموریت واقع شده است

ریاست مجلس شوری حق وزارت عدلیه است یکی از حکماء بگوید حاصل حالت دولت حاصل حالت پادشاهست. حرف بسیار صحیح است. علی الخصوص در دول مستقل. ایران در دست نادر صاحب آسیاست. همان ایران در دست شاه سلطان حسین اسیر يك ایل افغاست. مصر بدون محمدعلی پاشا ذلیل چند فقر غلام چرکس میشود. مصر با محمدعلی پاشا عالم را بخیر می آورد. با اینکه صدق قول حکیم آشکار است من هرگز راضی نخواهم شد حکه حالت حاله ایران حالت پادشاه ما باشد.

من این پادشاه را يك وقتی خواه از روی تملق خواه سهواً و خواه از روی حقیقت (پلر کیر) ایران گفتم تا منصب فروشی موقوف نشود. و تا مواجب نوکر روز معین نرسد. و تا ضمانت مالی و جانی در ایران حاصل نشود و تا دولت ایران صاحب يك کروولشکر نشود. هرگز نخواهم گفت که ایران مظهر حالت این پادشاه است

دیشب بموجب اتفاق خود را در مغز سر اعلیحضرت شاهنشاهی یافتیم - چه بگویم که درین سر پرشور چه مآشاها کردم در میان تلاطم افکار عجیب و طرحهای بزرگ و خیال سترک دیدم که جمیع حواس شاهنشاهی منحصر آ مصروف آنها بود - یکی تحصیل پول - و یکی دیگر تجهیز لشکر - این دو خیال بسته بودند بدو مقصود بزرگ که اگر بروز بدهم عالم بتزلزل خواهد آمد - در جنب این دو مقصود بزرگ يك خیال دیگر دیدم ~~که~~ گاهی حواس شاهنشاهی را منشوش میساخت - و گاهی طرح آن دو مقصود بزرگ را بتزید می انداخت - کشف این اسرار از جانب من بیشتر ازین جایز نیست - چیزیکه برود بدهم اینست که حد اجتماع پول را تا صد کرور قرار داده بودند - و عجمه بجز انتظام لشکر منظور دیگر نداشتند -

فاصل حزنه دولت ۵ بچند کرور خواهد رسید - باین تدابیری که وزراء ما معمول میدارند هنوز باید بهترین ساطهای ساعت را در انتظار این آرزو تاقیم - وزرای ما هر قدر که از واجب نوکرت قطع کنند و هر قدر که اهل ایران را از دولت ابد مدت متفر بسازند - باز ممکن نیست که سالی بیشتر از جزئی کرور تومان بجزانه علاوه کنند - این وجوه چه قابیلیت دارد که محل ملاحظات مثل ایران دولتی نشود - اگر اولیای دولت ما دفتر تجار بازرگ را میدیدند از تدابیر حالیه خود و از مراتب غفاتی که در این مدت از فنون مالیه داشته اند غرق خجالت میشدند من تا بحال بسی حرفها زدم که در نظر بعضی دلالت بر سفاقت من دارد و حال میخواهم يك عرضی نمایم که در ایران دیگر برای هیچکس از سفاقت بنده تشکیکی باقی نماند - اما پیش از اظهار حرف خود باید این مرض را بکنم که من در سفاقت خود تنها نیستم جمیع سفرا و صاحب منصبان خارجه که در ایران هستند وکل وزرای فرنگستان درین سماعت من شرکت تم دارند حرف بنده اینست که محصول مالیات ایرانرا در سه سال میتوان اقلاده مقابل علاوه کرد - اگر وزرای

ما تا دوروز برین حرف من بختندند - و اگر این ادعای مرا بجزار مضمون استهزاء نیابند باز حقیقت مطلب همین است و همین خواهد بود - من متعجب هستم که اولیای دولت ما در تطبیقات عقلیه چرا باین شدت عجز دارند - راست است که ما هنوز ندیده ایم که يك وزیر فرنگی در سه سال مالیات ایرانرا به بخله کرور رسانیده باشد - اما آخر در مسائل دیگر از قدرت علوم فرنگستان هزار نمونه می بینیم که از روی آنها قدرت اداره فرنگی را با کمال سهوات میتوانیم استنباط نمایم - مثلاً ما می بینیم ~~که~~ فرنگها در چهار ساعت از طهران میروند به اصفهان و در يك دقیقه از بغداد بهرات کاغذ میفرستند اگر ما در قوه تطبیق عاجز نباشیم باید از روی نسبت چار پاداری ما و کالسه آتشی ایشان نسبت ~~مما~~ داری مارا نیز بار سوم اداره فرنگستان بلا تردید مشخص نمایم

اما حال باینکه هر روز بر صنایع ظاهری فرنگها آفرین میجوایم باز بواسطه نقص تطبیق در علوم عقلیه متکرایشان میشویم - اهل ایران در این سه و چهار هزار سال خیال میگردند که اسباب حمل و نقل منحصر بهمان رسوم است که ایلات ترك و مغول برای ما وضع کرده اند خلاصه اولیای دولت ما خواه نخواه آخر الامر باید بدانند که بجهت تحصیل ایات علاوه بر این رسوم که در ایران آلاز مند اول است رسوم دیگر هم هست که نسبت آنها بار سوم حالیه ما مثل نسبت نوب است یا تبر و کان - و اگر دو باب تحصیل مالیات بعضی از اختراعات غفایه فرنگستان را اخذ نمایم بعد از سه سال پادشاه ایران اقل شصت کرور پول خواهد داشت - در باب نظام عسکریه - ما اهل ایران ضریب بختی داریم اولیای دولت ما باید یا منکر تنظیمات دول فرنگ باشند یا باید دولت را در تقلید فروطات نظام ایشان تابع نیابند - شصت سال است ~~که~~ از کل ممالک معلم می آوریم که بانواج ما علم راه و فنون تعلیم میکنند و اصلاحی برسیم ~~که~~ اصول نظام فرنگی

که موجب این همه ترتیبات حیرت انگیز شده مبنی بجهت  
 نوع تدبیر است. خیال میکنیم که قدرت نظام فرنگستان  
 واقعا درین جزئیات یعنی است. که در میدان مشق  
 پاشا میکنیم. اگر اولیای دولت ما یک وقت اصول نظام  
 فرنگی را درک نمایند حیرت خواهند کرد که در این  
 مدت چه قدر قدم پیروده زده اند. مکرر خیال کرده ام  
 که در باب نظام عسکریه شرحی بنویسم. خیال من  
 همیشه بدو ملاحظه غیر مأمول مانده است. یکی اینکه  
 یقین حاصل بود که از اصول نظام هر چه گفته شود  
 بنظر اولیای دولت بهاصل خواهد آمد. چنانکه  
 در باب تقسیم دو نوع اختیار دولت هر چه گفته شد  
 در خدمت ایشان قابل هیچ اهتدای نیامد. و دیگر  
 اینکه قبل از شرح اصول نظامی بیان صد اصول دیگر را  
 الزم میدیدیم که نظام عسکریه حاصل صد نظم دیگر  
 است تا نظام مالیه و نظام اداره و نظام هزار فقره  
 دیگر حاصل نشود نظام عسکریه چگونه حاصل خواهد  
 شد. و چون کل این نظامات بسته بنظامات دستگاه  
 دیوان است لذا مطالب ما باز منجر باین میشود. که  
 اگر طالب نظام عسکریه هستیم باید اول ناچار دستگاه  
 دیوان را نظم بدیم با این دستگاه منتهای ترقی لشکر ایران  
 بهمین پایه خواهد بود که الآن هست. بعضی از جهات  
 ما معایب لشکر ما را حمل بدم کفایت رؤسا مینمایند. و  
 لکن باید یقین بدانند که با این کلیه اوضاع ما هیچ امیری  
 و هیچ نابایوفی نیست که بتواند لشکر ما را بهتر از  
 امروز نگاه دارد. و دستگاه نظام الان بلا حرف  
 هزار عیب دارد و لکن انجمایب کلا از عیب دستگاه  
 دیوان است. پس لابد باز باید گفت اگر طالب لشکر  
 هستیم دستگاه دیوان را نظم بدیم

یکی از مبانی قدرت نظامی اینست که مواجب نوکر  
 باید هر موعده مقرر بدون تخلف برسد. اولیای دولت  
 اینفقره را جزئی میدانند و لکن من مختصراً بایشان  
 عرض میکنم که تا این شرط معمول نشده است بجهت  
 اولتت خود را در سایر امورات نظامی ضایع نمکنند.

تصور فرمائید که دو لشکر مدعی بر حسب عدد و علم  
 و مشق و جرئت و استعداد ظاهری مساوی همی  
 باشند. و لکن در یکی از این دو لشکر مواجب را موافق  
 قواعد فرنگیسان بدهند و در دیگری مواجب را  
 بیشتر از اولی و موافق رسوم ایران برسانند قدرت و  
 سی آن لشکر که مواجب را موافق قاعده فرنگ میبرد  
 قطعاً پنج مقابل بیشتر از لشکر دیگر خواهد بود

منی این نکته را تا سی سال دیگر هم در ایران  
 نخواهند فهمید و بواسطه نفهمیدن این معنی است که تا  
 بحال جمیع اهتمامات دولت عایبه در باب انتظام قدرت  
 عسکریه بچاصل مانده است. لشکر ما بایستی اولین  
 لشکر روی زمین باشد و حالا بواسطه اغتشاش قرار  
 مواجب یعنی ترین عساکر دنیا شده است. ما باید سالی  
 چند کرور مواجب بدیم. اگر پنج برابر این مواجب را  
 بی نظم و بیتساعده بدیم حالت دولت و لشکر ما همین  
 طور خواهد بود که الآن هست. و لکن هرگاه این  
 چند کرور مواجب را بر سر موعده و موافق ترتیب  
 معین برسانیم قدرت و اعتبار دولت اقلاً چندین  
 مقابل زیاد خواهد شد

بجهت اینکه مواجب نوکر را درست و بموقع برسانیم  
 دو چیز لازمست. یکی اینکه هر سال همان قدر پول باید  
 ما بشود و دیگر بقدر کفایت علم و سابقه داشته  
 باشیم که خرج را یک سال از دخل عقب پنداریم. -  
 و در تقسیم این چند کرور مواجب یک فرار مخصوص  
 بگذاریم چند کرور پول را یقیناً داریم. زیرا که کل  
 مواجب نوکر هر طور هست در آخر از دیوان گرفته  
 میشود. پس بی نظمی مواجب از عدم پول نیست از  
 عدم علم و از قص سابقه ماست

یک صاحب منصب نمسه میگوید که اگر دولت  
 ایران باو اذن بدهد او میتواند چنان تدبیری بکند  
 که مواجب تمام جاگران دیوان سه ماه به ماه در روز  
 معین بدون تخلف برسد من بر صدق این ادعای فرنگی  
 هیچ تشکیکی ندارم

اگر اولیای دولت از من سؤال کنند که اشکر بزرگ را چگونه معمول میدارد خواهم گفت با همان علمی که فرانکی ها هزار صحر دیگر بکار برده اند - خیلی ضربه است که هر روز می بینیم از بنادر فرانکستان بسواحل چین لشکر میکشند و باز بر صحر علوم و بر قدرت اراة فرانکی حرف داریم - جزو اعظم اقدار لشکر موفوف علوم صاحب منصباست - اشکر بی علم مثل پهلوان بیضل است - قص بزرگ ما از عدم علم صاحب منصب است و اشکر ما صاحب علم نخواهد شد مگر وقتی که تحصیل مناسب بدون علم محال باشد - اگر ما دارالعلوم بسازیم و یک نفر معلم بی علم را سرتیپ نکنیم باز ممکن نیست که اشکر ما صاحب علم بشوند - شرط اول ترویج علم ایست که عامه مردم یقین بدانند که بدون علم ترقی محال خواهد بود - حال ما از یک طرف مدرسه میسازیم و از طرف دیگر جهل مطلق را با علی درجه مناصب میروانیم

در کل ایران بقدر ذرة برای علم امتیاز قرار نداده ایم و میخواهیم در مقابل فردی دولت داشته باشیم - میان مناصب نظامی و سایر مناصب دیوانی یک فرق عظیمی هست که اولیای دولت ما اصلاً تلفت نشده اند - مناصب اهل نظام محکوم اختیار هیچکس نباید باشد مگر اختیار قانون سلاطین فرانک مختار هستند که بهر کسی بخواهند منصب و وزارت بدهند و هر وزیری را بخواهند بدون هیچ سبب معزول نمایند - اما اصلاً نمیتوانند که بمیل خود یک ناشی را سلطان یا یک سلطان را معزول نمایند - نه ایست که این اختیار را بزور از سلاطین گرفته باشند - خود سلاطین بنسای نظام عسکریه را درین دیده اند که مناصب آن ثابت و از اختیار رؤسا خارج باشد - مناصب نظامی را ملك طلق مالك قرار داده اند - کسی که در فرانک خود را منصب سرتیپی رسانده باشد مطمئن است که هیچ دیگری نمیتواند بدون قاون او را از منصب خود معزول نماید هرگاه این عظام و اطینشان را بمناسب

نظامی ندهند کدام دیوانه ایست که خود را برای هفت تومان و یا بجهت فلان نشان بکشتن دهد پس بجهت قوت روح نظامی باید چنان اسبابی فراهم آورد که هیچ کس بمیل هیچکس بمنصب نرسد و هیچکس بمیل هیچکس از منصب معزول نشود و اینکار نمیشود مگر بواسطه ترتیب مجالس نظامی - اینجا رسیدیم بمبانی دستگاه نظام و لکن این فصل چنان شرح و بسط لازم دارد که من لابد باید سکوت نمایم (ولتر) اعظم حکمای عصر خود در ضمن نصایح دولتی به (فرردر یک) کبیر مینویسد در مخارج دولتی هرگاه تنگ دستی رویدهد املاک خود را بفروش خالصه جات دیوان راجع رخت عیال خود را بفروش - اما مناصب دیوان و حکومت های ولایات را بفروش که فروش منصب و حکومت پستترین خبطها و بالاترین بلاهای دولت است

مقصود از لشکر دو چیز است یکی حفظ امنیت داخله - و یکی دفع حمله خارجه اگر اشکر ما از برای حفظ امنیت داخله ست عدد آن خیلی زیاد است - و اگر بجهت دفع حمله خارجه است عدد آن زیاد کم است - با همان مخارجی که حالاً صرف این دویست هزار مینمایم میتوان بخاه هزار ردیف ترتیب داد - که استعداد ایشان بمراتب بیشتر از عساکر حالیه ما باشد - اما چه فایده که ترتیب لشکر ردیف مثل کل تنظیمات دیگر ممکن نیست مگر به ترتیب دستگاه دیوان

کل مطالب این کتابچه منتهی میشود به ترتیب دستگاه دیوان - بجهت ختم عرایض مجدداً تصریح مینمایم الان در ایران هیچکاری نداریم مگر ترتیب این بنای اصلی مهندسین فرانکستان - قبل از آنکه بفکر چرخ طاهوت باقی و کارخانه ریسمان ریبی بیفتند اول علم و حواس خودشان را صرف ترتیب چرخ بخار نمودند - بعد از آنکه چرخ بخار ترتیب یافت سایر کارخانه ها گویا بحکم ساحری از اطراف بنای ظهور را گذاشتند - دستگاه دیوان در وسط دولت بمنزل چرخ بخار است - تا این چرخ اصل

درست نشود آن نتایج بزرگ که منظور ماست ابداً حاصل نخواهد شد

(۱) نظم لشکر - (۲) نظم مالیات - (۳) ضوابط حقوق - (۴) پیشرفت پواتیک - (۵) رونق تجارت (۶) تسخیر فلان ولایت - (۷) تحصیل فلان منافع - (۸) تعیین سلطنت کلاً بسته به ترتیب دستگاه دیوانست - و اکنون تأسف و اصرار من منحصر باین نیست که چرا دستگاه دیوان نداریم - افسوس و فریاد من در اینست که چرا حواس خود و عمر دولت را در فروعات بیعی تلف مینمایید - بجهت خود را فریب ندهید - بجهت خود را معطل این بازیچه های جهالت نسازید - بدون نظم دستگاه دیوان هر تدبیری که بکنید و هر قدر که بکوشید باز یقین بدانید که استیلای خارجه نه از شما و نه از ایران آثاری باقی نخواهد گذاشت - اگر ابحرفها را قابل اعتنا نمی شمارید اقلأ از حالت دولت عثمانی عبرت بگیرید -

در این سی سال هوا خواهان زیاد دولت عثمانی هرچه بر خطرات حالیه فریاد زدند و زرای آن دولت همرا تاریخ قدیم و عظم استخوان تحویل دادند - فرمائید که حالت طاواری حالت عثمانیست - دولت ایران در مقابل هجوم استیلای فرنگ از دولت عثمانی هیچ فرقی ندارد - و حمایت عیسویها يك مسئله ثانویست - اصل مسئله در اینست که جوش قدرت فرنگستان بقای دول بربر را محال ساخته است - بعد از این دول روی زمین باید مثل دول فرنگستان منظم باشند - یا باید منکوب و مغلوب قدرت ایشان بشوند - سبب اینقدرت بحکم طبیعت از اطراف عالم حمله دارد - هرزمینی که پست تر است اول آنجا را میگیرد - الجزیره - مصر - مغرب زمین - چین و ژاپون کابل تمام یئگی دنیا - تمام هندوستان تمام جزایر دنیا محل استیلای این سبیل بوده اند - حال ببینید تا چه قدر قافل هستیم که میخواهیم این سبیل عالم گیر را بعظم استخوان و بطن تشخص دفع نماییم - میخواهیم با چند کرور مالیات با این قسم وزارتخانه و با این قسم حکومت ها و با

اینعلم و ذراه در مقابل قدرت فرنگستان بایستیم والله محاسن - بالله ممکن نیست - یا باید در همین در سه سال خود را از اینعام پست به باندی فرنگستان برسانیم - و یا از احوال خود را خریق و مدفون سیل فرنگ بدانیم والسلام

### مدارس ملیة مظفریه

#### نقل از روزنامه شریفه تربیت

معارف و علوم روشنائی ماکروچ ممالک و بلاد است و نظم و انتظام و صحت و درستی تام و تمام امور و مهم جلیله دوائی و ملق و واکول و متوقف بر دانش و آگاهی باشد و در این گفته احدی را تأمل و تردید نیست یعنی قوی است که جمگی برآند

وزارت جلیله علوم و معارف همواره در توسعه و تفتیح دوایر عامیه کوشیده خاصه بعد از جلوس میمنت مانوس اعلم حضرت قویشوکت شاهنشاه معارف بنام مظفرالدین شاه خلداده ماکه و سلطانیه که بمعی مدارس و مکاتب مظفریه بنام هاپون خسروان بوضع و اسلوب جدید دایر و مفتوح گشته تا متباح ابواب فتوح گردد و تدریجاً رو بکمال گذاشته نواقص را رفع کند

مخصوصاً از یکسال قبل تا کنون مجامعات شخصی جناب مستطاب اجل معظم نرالملك وزیر علوم و معارف صاعف الله احلاله و جناب جلالآب اجل اکرم مخبر السلطنه معاون وزارت علوم دام اقباله العالی معین و معلوم است و ظاهراً تمام بزرگان و اعیان دار الخلافه از آن مساعی حمیله باخبر و مستحضر میباشند - و نظامنامه که در طی شهر سال مزبور طبع و منتشر شده و موشح بدستخط آفتاب نمط ملوکانه بوده بزرگوار امین این گفته است و اکثر آن نظامنامه را دارند و ترتیبات صحیحه آن را میدانند - معذالك حال حالیه مدارس و مکاتب بلکه کلیه اداره علوم و معارف را باختصار در این ورقه درج میکنیم که اسباب مزید توضیح باشد

عجالتاً هفته یكروز مجلس معارف برای اجرای نظامنامه مدارس و مكاتب و شوری در امور علمیه و تکمیل نواقص کارهای هر مدرسه و مكاتب در مرکز دایره معارف که کتابخانه قدیم دولتی و جنب مدرسه مبارکه دارالفنون است منعقد میشود و آن روزهای پنجشنبه میباشد از سه ساعت بغروب مانده تا هروقت که طول بکشد

رئیس مرکز دایره معارف جناب جلالآب اجل عالی رضا قلیخان دام اقباله فرزند اسعد وزیر علوم و معارف و رئیس مدرسه مبارکه دارالفنون میباشد و هرکس کاری راجع به مدارس ملیه مظفریه داشته باشد و در این باب بخواهد سؤالی بکند و جوابی بشنود هر روز که باشد غیر از دو شنبه و جمعه باین محل رجوع نماید پذیرفته میشود و مانی درکار نیست -

اول قرار داد مجلس معارف این است که مایه یکم مرتبه تمام اخبار راجع به مدارس و مكاتب کلیه در روزنامه تربیت درج شود و از آن روزنامه نسخه های بسیار بمجلس معارف داده خواهد شد که مجاناً باشخاص مخصوص که باید از حقایق امور مكاتب و مدارس مطلع باشند بدهند - و باز ممکن است در ظرف ماه خبری بدست آید و انتشار فوری آن لازم نماید آن نیز نگاشته میشود و دخلی بامر مایه نماند بعبارة اخری قضیه مانده الجمل نیست و هرچه از این قبیل اخبار بیشتر بنویسیم بهتر خواهد بود -

اما مدارس و مكاتب فعلاً چهار مدرسه متوسطه علمیه در چهار ضلع شهر دارالخلافه دایره و مفتوح شده که اسباب تسهیل کار مردم هر طرف شهر باشد و مجبور نباشند برای تحصیل فرزندان خود را از محلات جنوبی بشالی و از گذرهای مشرقی و مغربی فرستند - و در صورت لزوم رحمت ارباب خیر و سعادت ممکن است - این چهار باب مدرسه متوسطه علمیه شش باب و هشت باب بلکه بیشتر شود و اساسی چهار باب مدرسه علمیه دایره از این قرار میباشد

علمیه مظفریه - علمیه ادب - مظفریه علمیه - علمیه ثروت - مدرسه علمیه مظفریه در خیابان معروف بخیا بان امین خلوت واقع است - و مدرسه ادب در محله عود لاجان - و مدرسه مظفریه علمیه در حدود دروازه قزوین - و مدرسه ثروت در عباس آباد - و در این چهار مدرسه علوم مقدماتی تحصیل میشود

علمی المجاله سه باب مدرسه ابتدائی نیز در تحت نظارت مخصوص و مسئولیت وزارت علوم و معارف است و اساسی آن سه مدرسه از این قرار میباشد  
رشدیه - شرف - کالیه

مدرسه رشدیه در خیابان باغ وحش واقع است و شرف در محله سنگلج - و کالیه در حدود بازار چته معیر المالك - و هرکس میتواند فرزند خود را با کمال اطمینان یکی از هفت مدرسه مذکور در فوق بسپارد و امنای وزارت جلیله علوم و معارف را مسئول صحت عمل و تحصیل آن مدارس بداند - و باقی مكاتب مطابق اصل چهاردهم نظامنامه سابق الذکر حکم ابتدائی دارد و در تحت ترتیب و قوانین نظامنامه در می آید و پس از انجام این مراسم مطلب را اعلان و اعلام خواهیم نمود همین قدر باید دانست که قبل از اظهار و اعلان انتشار وزارت علوم و معارف قبول مسئولیت آن مكاتب را نمینماید - لکن بطور حتم باید تمام مكاتب مایه مظفریه بلکه مكاتب خانهای سرگذر در تحت نظارت وزارت علوم و معارف باشد و بموجب فصول نظامنامه مبارکه موشح بدستخط همایون اقدس اعلی عمل نمایند - و از اصلاحات مقرره پهلوتی ننگند تا نتایج حسنه مزبوره حاصل شود و انبای وطن از فواید و منافع دانش و پیش متمتع بگردند و فهرست تحصیلات مدارس و مكاتب ابتدائی از قرار ذیل است

خواندن و نوشتن فارسی بطور صحیح - تلاوت قرآن مجید با رعایت تجوید که علم قرائت باشد - مسائل شرعیه ضرورتی از اصول و فروع - حساب تا تناسب اربع دوره مختصر جغرافیا - کلیات تاریخ ایران - و مخصوصاً سینه

وحالات رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم - صرف و نحو زبان فارسی - اخلاق در ضمن قصه و حکایتی که شامل آن باشد - بدیهیات علوم در طی حکایات فارسی که ذهن اطفال را نزدیک بدریافت معارف کند - مشق خط سیاق بقدر که باید - دوره مختصر صرف عربی - هوامل یا دوره مختصر نحو عربی

مدت تحصیل در مکاتب ابتدائی چهار سال است و شاگرد در سن هفت سالگی قبول میشود - و در دوازده سالگی از مکتب خارج شده به مدارس متوسطه علمیه میرود که تحصیل مقدمات علوم پردازد یا از پی شغل برود

اما فهرست تحصیلات مدارس متوسطه علمیه از این قرار میباشد - اصول و فروع دین با ادله کافی و شرح لازم - صرف و نحو زبان فارسی کاملاً - صرف عربی و نحو نیز کامل - منطق و عروض و معانی بیان - انشاء و ادبیات - عروض و قافیه - اخلاق اسلامی - ترجمه ظاهر آیات مبارکات با اشارات تفسیری - ترجمه از عربی به فارسی و از فارسی به عربی - جغرافیای کامل - حساب با دلیل و جبر و مقابله - هندسه و مثلثات - اصول جبر افعال و حکمت طبیعی - تاریخ عالم - مشق خط و سیاق - زبان فرانسه بجهت تکلم و انشاء و ترجمه -

مدت تحصیل در مدارس متوسطه علمیه پنجسال است و این مدت منقسم بدو دوره میشود -

دوره اول سه سال میباشد -

و دوره دوم دو سال

شاگردان مدارس ابتدائی بعد از چهار سال تحصیل همینکه تصدیق و شهادتنامه از مدارس خود داشته باشند اگر بخواهند داخل در مدارس متوسطه علمیه شوند بدون تأمل و تردید بمحض ارائه و نشان دادن آن تصدیق نامه پذیرفته میشوند - همچنین شاگردان مدارس متوسطه علمیه اگر بخواهند به مدارس عالی رتبه مراتب تحصیلات خود را کامل کنند و در طب و هندسه

و غیره صاحب فن گردند بی دفعه بیدن شهادتنامه قبول خواهند شد - و اگر شاگردی در مکتبی که در تحت نظارت وزارت علوم و معارف نیست تحصیل کرده باشد و بخواهد داخل در مدارس متوسطه علمیه گردد قبول او موقوف بامتحان است باید در وزارت جلیله امتحان بدهد تا تکلیف او را از هر جهت معین نمایند - و باید دانست که مدرسه متبرکه سادات که در مقام خود مستغنی از توصیف و تعریف میباشد در درجه مکاتب و مدارس ابتدائی خواهد بود - یعنی شهادتنامه و تصدیق آن مدرسه نیز برای داخل شدن در مدرسه بالاتر قبول و محضی میباشد

و برای آنکه هیچ کار در این مدارس بیقاعده و خود سر نباشد ایام تعطیل سال را علاوه بر جمعه که مقرر است نیز معین کرده و ازین قرار است

عید نوروز پنج روز تعطیل دارد - يك روز قبل از عید و روز عید و سه روز بعد از آن - و روز سیزده تاشورا سه روز تعطیل دارد روز تا سوط و روز تاشورا و روز یازدهم

اربعین که در پستم ماه صفر است یکروز

قتل امام حسن علیه السلام که در پست و هشتم ماه صفر است یکروز

عید مولود حضرت رسول که در هفدهم ربیع الاول است یکروز

وفات صدیقه طاهره سلام الله علیها که در سیزدهم جمادی الاولی میباشد یکروز

عید مولود اعلی حضرت شاهنشاه دام ملکه که در چهاردهم جمادی الاخری است یکروز

تولد حضرت صدیقه طاهره که در پستم جمادی الاخری باشد یکروز

عید مولود امیرالمؤمنین علی علیه السلام که در سیزدهم رجب است یکروز

روز مبعث که پست و هفتم رجب است یکروز

عید مولود حضرت سیدالشهداء علیه السلام که در  
 نیم شعبان است يك روز  
 عید مولود حضرت صاحب الزمان عجل الله فرجه -  
 که در یازدهم شعبان است يکروز  
 شهادت حضرت امیرالمؤمنین - که در پست و یکم  
 رمضان است يکروز

عید فطر - که غرة شوال است يکروز  
 عید اضحی - که دهم ذی الحجة است يکروز  
 عید غدیر - که هیجدهم ذی الحجة است يکروز  
 این بود حالت حالیه و ترتیب امور مدارس و  
 کتاب ملیة مظفریه - و امیدواریم که روز بروز از  
 حیث قوانین و قواعد مفیده تحصیل رو بنکون گذارد  
 ما آنجا که فی الحقیقه بکمال رسد - نیز رجای وائق  
 آنست که همت طائبان ترقی و خیرخواهان ممالک  
 دایرة علوم و معارف دارای وسعت مطلوب گردد -  
 و فرزندان این کشور نیز مانند سایر ممالک بمقامات  
 عالیة فضل و کمال و مراتب متعالیه حکمت و معرفت  
 فایز شوند و از نتایج حسنه و جهل و نادانی آسوده  
 و امین باشند

### داستان روسیا

از شماره ۲۰

#### پیمان سوداگری بستان روسیه بافرانسه

چون فرانسویان با روسیه پیمان سوداگری در میان  
 نداشتند باری که بروسیه می آوردند ناچار بودند کمرک  
 او را (تالر) بدهند - با آنکه تالر یکصد و بیست و پنج  
 کابک ارزش داشت به یکصد و ده کابک رمیداشتند - و  
 انگریزان از این راه نیز سدی دوازده سودمند میکردیدند  
 پیماست پس از آنکه تا این پایه آسانی در کار سوداگری  
 انگریزان در میان بود و دیگران که با روسیه پیمان  
 سوداگری در میان نداشتند سودی از داد و ستد روسیه  
 برداشتن نمیتوانستند - از اینرو دلتنگی پادشاه فرانسه  
 آشکار و گذشته از آن گردش روزگار او را بدوستی

روسیه و ادار نموده بود - و در آن روزگار (دستور  
 کار بیرونیان - وزیر خارجه) فرانسه (ورژن) با  
 میان درباریان فرانسه (سکور) نامی را که جوانی  
 دارای خوی برگزیده و گفتار دلپذیر و زبان خوش  
 شیرین بود و سردی باخرد و هوش و دانشمند هنور  
 بود و گذشته از همه در پادشاه پرستی بی همتا و  
 سرمویی سود مرز و بوم خود را بمجهانی برابر نمی نمود  
 از برای فرستادن بدربار روسیه برگزیده و روانه  
 پترسبورخ نمود - آن فرستاده هوشیار پس از رسیدن  
 به پترسبورخ کتربت و پوتئکین را فریخته خود نمود  
 و تا پایه پسندیده آمد که هیچیک از پشیمان را تا آن  
 پایه بلندی و سرفرازی دست نداده بود - و در نزد  
 کتربت سخن روا و به نیک خوایی پذیرفته آمد - چندی  
 نگذشت که امپراتور بجه در اندیشه آن افتاد که بسیر  
 و تماشای کنده و جواهراییکه از برای برگرداندن رود  
 (آتل) را بدریای بالتیک برای آسانی بردن و آوردن  
 بار کنده بودند و رود آتل را که تا آنروز بدریای  
 مازندران مبرمخت بسوی دریای بالتیک برگردانده بودند  
 رود - بدرباریان و فرستاده فرانسه و انگریز و آتریش  
 بدان سوی روان شد فرستاده فرانسه که پیوسته در  
 اندیشه آن بود هنگامی بدست آورده و از ایندر  
 سخن بمیان آورد روزی بی برد که پوتئکین پیش از  
 پیش از انگریزان رمییده - هاندم آغاز سخن نموده و  
 گفت آیا رواست خاسته فرانسه را روسیایان از خود  
 فرانسویان نخریده و از انگریزان به بهای گران بخرند  
 و روسیه و فرانسه از آن سود و سودایی بهره مانند  
 اگر روسیایان از خود فرانسویان بخرند ارزانتر خواهند  
 خرید - و اگر پیمان سوداگری در میان بسته شود با  
 آزادی درمیانه این دو گروه داد و ستد روان خواهد  
 یافت - و با سخنان سنجیده بر پوتئکین روشن نمود که  
 سود روسیه در بستان آن چنان چنانست - از پوتئکین  
 پیمان خواست که این راز را جز با کتربت یا دیگری  
 در میان نهد و گفت نامه در کارست - هاندم (سکور) يك